

درباره
طرح شورای ملی مقاومت
برای خودمختاری کردستان ایران

درباره طرح شورای ملی مقاومت برای خودمختاری کردستان ایران

شابک : ۹۷۸۲۴۹۳۲۳۸۰۴۷

انتشارات دبیرخانه شورای ملی مقاومت

تاریخ انتشار: اردیبهشت ۱۴۰۲

برگرفته از : پنج برنامه پخش شده از تلویزیون ملی ایران - سیمای آزادی

(۱۲ تا ۱۶ آبان ۱۳۹۶)

این برنامه در سال‌های بعد هم پخش و در کتاب حاضر

از گفتار به نوشتار تبدیل شده است

بها معادل ۱۰ یورو

ماده ۵ برنامه شورای ملی مقاومت ایران
در مورد حقوق ملیتها:
بدیهی است که پایداری تمامیت ارضی
و وحدت ملی این میهن دقیقاً در رابطه
با احقاق حقوق حقه تمامی عناصر و
بخشهای تشکیل دهنده آن است. به این
ترتیب، خودمختاری داخلی به مفهوم
رفع ستم مضاعف از همه شاخه‌ها و
تنوعات ملی و وطنمان و تأمین جمیع
حقوق و آزادی‌های فرهنگی و اجتماعی
و سیاسی برای آنها در چارچوب وحدت،
حاکمیت و یکپارچگی تجزیه‌ناپذیر
کشور ضرورت جدی دارد.



فهرست

- ۷ مقدمه ◀
- ۱۱ فصل اول: پیشینه‌ها ◀
- ۲۱ فصل دوم: رودرروی خمینی ◀
- ۳۵ فصل سوم: راه‌حل ملی و انقلابی در برابر راه‌حل ارتجاعی خمینی ◀
- ۵۱ فصل چهارم: حقوق ملیتها ◀
- ۶۹ فصل پنجم: طرح شورا ◀



مقدمه

ایران سرزمینی است با اقوام مختلف فارس و کرد و ترک و بلوچ و عرب و ترکمن؛ هر یک با زبان و آداب و رسوم خاص خودشان. زیبایی ایرانی به این است که علاوه بر جغرافیای چهار فصلش، اقوام مختلفی را هم در خودش جای داده است. اما، در این سرزمین زیبا ستم مضاعف، یعنی ستم دوچندان و دو برابر، هم در کار بوده و هنوز هم هست. منظور از ستم مضاعف این است که در حاکمیت شاه و شیخ، یک بار همهٔ مردم ایران از هر قوم و نژاد و با هر دین و مذهب، اعم از زن و مرد، تحت سرکوب و ستم هستند، یکبار هم، مثلاً به خاطر جنسیت یعنی زن بودن، که تقریباً نصف مردها حساب می‌شوند و یکبار هم، به خاطر ملیت و قومیت، دست دوم محسوب می‌شوند و تحت ستم مضاعف قرار می‌گیرند. از جمله:

- از حق آموزش و تحصیل به زبان مادری‌شان محروم هستند؛
از این که آزادانه طبق آداب و فرهنگ و سنتهای خودشان زندگی کنند، محروم هستند؛

- به‌طور سیستماتیک از ادارهٔ امور داخلی خودشان هم محروم نگه‌داشته شده‌اند؛

– ارگان قانونگذاری برای اداره امور داخلی خودشان ندارند. از این که انتظامات و امور انتظامی منطقه خودشان را به عهده داشته باشند، محروم هستند؛

به طور سیستماتیک، در منطقه آنها، مثلاً بلوچستان یا کردستان، سرمایه گذاری کمتری صورت گرفته و توسعه اقتصادی و اجتماعی آنها، یک مدار، عقب تر است. در واقع، بهتر است بگوییم عقب تر نگهداشته شده اند، چون دست دوم محسوب شده اند.

پس، صورت مسأله این است که در عین حفظ تمامیت ایران؛ در عین حفظ تمامیت ارضی و یکپارچگی و وحدت ملی، برای رفع ستم مضاعف و برای این که هیچ ایرانی دست دومی وجود نداشته باشد، چه باید کرد؟ جوابهای شاه و شیخ به این سوال روشن است و در عمل آزموده شده و با یک نگاه به تاریخ صد ساله معاصر ایران می توان دریافت که جز سرکوب و ستم مضاعف چیزی نبوده است. شاه و شیخ نه فقط کمترین حقی برای اقوام مختلف ایران قائل نبودند و نیستند؛ نه فقط رفع ستم مضاعف را لازم و ملزوم و لازمه وحدت ملی و تمامیت ارضی و یکپارچگی نمی دانستند، بلکه هرگونه حق طلبی در این موارد را هم با برچسب تجزیه طلبی سرکوب کرده اند.

تصاویر اعدام جنایتکارانه جوانان کرد در سال اول پیروزی انقلاب ضدسلطنتی، از اذهان پاک نشده؛ محرومیت مضاعف مردم کرد هنوز هم بیداد می کند و همه روزه خبر کشته شدن کولبران محروم منتشر می شود؛ درد و رنجی بی پایان، که دل هر ایرانی آزاده یی را به درد می آورد.

اما، در ایران آینده و در ایران پس از سرنگونی آخوندها، چگونه با این مسأله برخورد خواهد شد.

خانم مریم رجوی، رئیس جمهور برگزیده شورای ملی مقاومت ایران، در گردهمایی بزرگ مقاومت در ویلینت پاریس (۹ تیر ۱۳۹۷) گفت:
«ما به پی ریزی جامعه یی فرامی خوانیم که تار و پودش آزادی، دموکراسی

و برابری است؛ هم‌چنین، مرزبندی با استبداد و وابستگی و تبعیض جنسی و قومی و طبقاتی است. ما از برابری زن و مرد؛ از حق انتخاب آزادانه پوشش؛ از جدایی دین و دولت؛ از خودمختاری ملیتها؛ از تساوی حقوق سیاسی و اجتماعی کلیه افراد ملت ایران؛ از لغو اعدام؛ از آزادی بیان، احزاب، مطبوعات و اجتماعات، از آزادی اتحادیه‌ها، انجمن‌ها، شوراهای و سندیکاها دفاع کرده و دفاع می‌کنیم.

طرح ۱۲ ماده‌یی شورای ملی مقاومت برای خودمختاری کردستان ایران، که ۳۵ سال پیش تصویب و اعلام شده، هنوز هم یکی از جامع‌ترین الگوهای جهانی است. و سرانجام، ایران آزاد، یک ایران غیراتمی، در همزیستی مسالمت‌آمیز، با همکاریهای منطقه‌یی و بین‌المللی است. این است سیمای یک جایگزین دموکراتیک در برابر حاکمیت آخوندی و هرگونه دیکتاتوری».

این تصویر فردای ایران با خانم مریم رجوی و شورای ملی مقاومت ایران است.

طرح شورای ملی مقاومت برای خودمختاری کردستان ایران، که خانم مریم رجوی آن را یکی از جامع‌ترین الگوهای جهانی معرفی کرد، چیست؟ چه موادی دارد؟ پیشینه‌اش چیست و در چه شرایطی به تصویب رسیده است؟ آیا یک طرح خلق‌الساعه است یا در رنجها و مبارزات و رزم و خون فرزندان ایران زمین ریشه دارد؟ آیا مشت‌ی الفاظ یا ردیف کردن کلمات خوب در کنار هم است یا محصول یک پروسه مبارزاتی مشخص؟

این کتاب تلاشی برای پاسخ به همین سوالات است.



فصل اول

پیشینه‌ها



فصل اول - پیشینه‌ها

در مورد پیشینه طرح خودمختاری باید به ابتدای حاکمیت خمینی در سال ۱۳۵۷ برگشت.

در جریان انقلاب ضدسلطنتی و بعد از سقوط رژیم شاه، کردستان هم مثل سایر مناطق و استانهای ایران قیام کرده بود. اما، بهار آزادی در کردستان خیلی زودگذر بود. چون هنوز یک ماه نشده، درگیری‌ها و سرکوب در اواخر اسفند همان سال شروع شد و بی‌وقفه ادامه پیدا کرد که تا همین امروز هم ادامه دارد.

در ابتدای انقلاب ضدسلطنتی، خمینی عجله داشت که جمهوری اسلامی را سریعاً به فراندوم بگذارد و درحالی‌که در اوج محبوبیت بود، به قول خودش با «نه یک کلمه بیشتر و نه یک کلمه کمتر»، از تصویب مردم بگذراند. از این‌رو، سریعاً فراندومی را ترتیب دادند که فقط در آن دو گزینه وجود داشت: جمهوری اسلامی، آری یا نه! اما خمینی مشخص نکرده بود که منظورش از جمهوری اسلامی، دقیقاً، چیست و چه محتوایی دارد. عامه مردم هم نمی‌دانستند که او قصد دارد حکومت آخوندی و ولایت‌فقیه را تحت‌نام اسلام، قالب کند.

برای آشنایی با نظرگاه و رویکرد خمینی و جوابهایش به مسائل مختلف از یک طرف، و شناخت مواضع مجاهدین به‌عنوان آنتی‌تز خمینی، که بعداً در شورای ملی مقاومت و برنامه و مصوبات آن مدون شد، به بخش زیر از صفحه ۳۶۵ به بعد کتاب «استراتژی قیام و سرنگونی» نوشته آقای مسعود رجوی (درسال ۱۳۸۸) ارجاع می‌دهیم:

«خمینی تا ۱۰ روز قبل از آمدن به ایران، از «حکومت اسلامی» دم می‌زد و کلمه جمهوری و حاکمیت جمهور مردم برای او بسیار نامأنوس بود. شعار وحدت‌گرایانه او، «همه باهم» نیز، به دور از میدان عمل مبارزاتی و عاری از ارائه خطمشی و برنامه و آلترناتیو مشخص بود. از معرفی شورای به اصطلاح انقلاب و دولتی هم که دوماه‌ونیم قبل از آن در نیمه آبان ۱۳۵۷، مخفیانه، تشکیل داده بود، طفره می‌رفت و آن را از میلیونها مردمی که در خیابانها برای او شعار می‌دادند، قویا، مخفی نگه می‌داشت.

در سوم بهمن ۱۳۵۷ روزنامه‌های آن زمان، نخستین گفتگوی او را با خبرنگاران ایرانی درباره «حکومت اسلامی» و این‌که در آن «دیکتاتوری وجود ندارد» منتشر کردند. به برخی سوال و جوابها و دجالیتی که در آن موج می‌زند، توجه کنید: «سوال: ... آیا اعضای کمیته شورای انقلاب اسلامی و دولت قبلا معرفی خواهد شد یا نه؟

جواب: ... در بهشت زهرا راه خود را اعلام می‌کنیم و حرفهایی را که باید مقدمتا زد، خواهیم زد.

سوال: حضرت آیت‌الله ممکن است بفرمایید شکل طبقاتی این کمیته اسلامی چگونه خواهد بود و آیا نماینده‌یی از طبقه کارگر و روشنفکر در آن خواهد بود یا اکثریت اعضای کمیته از روحانیون خواهند بود؟

جواب: نخیر از روحانیون نخواهد بود. روحانیون مثل سایر طبقات نماینده خواهند داشت.

سوال: ممکن است خطوط اصلی این حکومت اسلامی را در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بفرمایید؟

جواب: این‌ها اموری نیست که بتوانم آن را برای شما تشریح کنم...

سوال: منظورم این است که در حکومت اسلامی ملی‌شدن صنایع قطعی خواهد بود یا هنوز معلوم نیست و آیا ابزار تولید در دست دولت خواهد بود؟

جواب: آن‌هم باید مورد مطالعه قرارگیرد.

سوال: در مورد آزادی بیان و عقیده، شما چه حدودی را در نظر دارید و آیا فکر می‌کنید باید محدودیتهایی قائل شد؟

جواب: اگر چنانچه مضر به حال ملت نباشد، بیان همه چیز آزاد است. چیزهایی آزاد نیست که مضر به حال ملت ما باشد.

سوال: آیا فکر می‌کنید گروههای چپ و مارکسیستهایی که در ایران هستند... خمینی قبل از پایان سوال خبرنگار، جمله او را قطع می‌کند و جواب می‌دهد: اگر مضر به حال ملت باشد جلوگیری می‌شود و اگر نباشد، فقط اظهار عقیده باشد، مانعی ندارد.

سوال: نقش زنان در حکومت اسلامی چگونه خواهد بود؟ آیا در امور کشور شرکت خواهند داشت؟ مثلا آیا وزیر خواهند شد، البته اگر استعداد و لیاقت نشان بدهند؟

جواب: این‌ها بسته به این است که حکومتی که پیش می‌آید تکالیف را معین کند. الان وقت این حرفها نیست.

سوال: چون من را به‌عنوان یک زن پذیرفته‌اید، این نشان‌دهنده این است که نهضت ما، نهضتی مترقی‌ست، ولی دیگران کوشیده‌اند آن را عقب‌مانده نشان دهند. فکر می‌کنید آیا زنان ما حتما باید حجاب داشته باشند؟ و مثلا روسری روی سر داشته باشند؟

جواب: اما این‌که شما را پذیرفتم، بنده شما را نپذیرفتم، شما آمدید این‌جا و من نمی‌دانستم شما می‌خواهید بیایید این‌جا که پذیرفتم...

سوال: فکر مالکیت در حکومت اسلامی و به‌خصوص مالکیت ارضی چگونه خواهد بود؟

جواب: این‌ها بعدها روشن خواهد شد.

سوال: به نظر شما وضع روزنامه‌ها چگونه باید باشد؟

جواب: روزنامه‌هایی که مضر به حال ملت نباشند و روزنامه‌هایی که نوشته‌هایشان گمراه‌کننده نباشد، آزادند.

سوال: براساس نامه‌ها و تلفنهایی که می‌شود، بعضی‌ها می‌گویند که ما از زیر چکمه استبداد به زیر نعلین استبداد می‌رویم.

جواب: آنها عمال شاه هستند. آنها که این حرفها را می‌زنند، سالهاست که می‌زنند و این‌ها را شاه به آنها دیکته کرده است و آنها به شما می‌گویند، برای

این که بخواهند شاه را برگردانند. به آنها بگویید شاه دیگر بر نمی‌گردد و شما اگر حکومت اسلامی را ببینید خواهید دید که دیکتاتوری در اسلام اصلاً وجود ندارد».

xxx

خمینی چهار روز بعد از ورود به تهران طی پیامی به شرح زیر، بازرگان را در ۱۶ بهمن ۵۷ به‌عنوان نخست‌وزیر دولت موقت معرفی کرد و مهمترین کار این دولت را انتخابات مجلس مؤسسان شمرد: «ما به‌واسطه اتکا به این آرای عمومی که شما الان می‌بینید و دیدید تاکنون که آرای عمومی با ماست و ما را به‌عنوان زعامت بفرمایید یا به رهبری همه قبول دارند از این جهت ما یک دولتی را معرفی می‌کنیم؛ رئیس دولتی را معرفی می‌کنیم موقتاً دولتی تشکیل بدهد که هم به این آشفتگیها خاتمه بدهد و هم یک مسأله مهمی که مجلس مؤسسان است؛ انتخابات مجلس مؤسسان را درست کند و مقدمات او را درست کند و مجلس مؤسسان تأسیس بشد و همین‌طور مجلس انتخابات هم درست بشد. لہذا ما دولت موقت را تعیین کردیم و از خدای تبارک و تعالی می‌خواوم که توفیق بدهد به آقای مهندس بازرگان که این مأموریت را به وجه احسن انجام بدهد».

روز بعد متن مکتوب حکم نخست‌وزیری بازرگان هم منتشر شد. در این حکم که به تاریخ عربیع‌الاول سال ۱۳۹۹ هجری قمری، ۱۵ بهمن ۱۳۵۷، یعنی در سومین روز ورود خمینی به تهران نوشته شده است، خمینی خطاب به بازرگان، که او را «مأمور تشکیل دولت موقت» کرده است، می‌گوید: «ترتیب اداره امور مملکت و خصوصاً انجام رفراندوم و رجوع به آرای عمومی ملت درباره تغییر نظام سیاسی کشور به جمهوری اسلامی و تشکیل مجلس مؤسسان از منتخبین مردم جهت تصویب قانون اساسی نظام جدید و انتخاب مجلس نمایندگان ملت بر طبق قانون اساسی جدید را بدهید».

بنابراین دولت موقت علاوه بر اداره امور جاری کشور، سه وظیفه دارد:

- ۱- انجام رفراندوم درباره تغییر نظام سیاسی کشور به جمهوری اسلامی؛
- ۲- تشکیل مجلس مؤسسان جهت تصویب قانون اساسی؛

۳- انتخاب مجلس نمایندگان ملت.

پس یک هفته قبل از سقوط رژیم شاه در ۲۲ بهمن، هم فراندوم و هم «جمهوری اسلامی»، از پیش تعیین تکلیف شده بود. خمینی: «به مجرد این‌که این نظام به هم بخورد جایگزین آن را ما داریم. و یک نظام اسلامی؛ جمهوری اسلامی متکی به آرای عمومی و متکی بر قوانین اسلام».

دو هفته بعد از ۲۲ بهمن هم، خمینی در روز ۹ اسفند اعلام کرد: «آن‌چه این‌جانب به آن رأی می‌دهم جمهوری اسلامی است... نه یک کلمه زیاد و نه یک کلمه کم!»

روز بعد، پس از رسیدن به قم، بلادرنگ، گفت: «آنها که در نوشته‌جاتشان از جمهوری دم می‌زنند، جمهوری فقط، یعنی اسلام نه؛ آنها می‌خواهند باز همان مصایب را با فرم دیگه برای ما به‌بار بیاورند».

یک روز قبل از میتینگ بزرگ مجاهدین در خزانه در ۴ خرداد ۵۸ خمینی باز هم شخصا به صحنه آمد و برای نفی دموکراسی و دموکراتیسم و برای آبندی کردن اسلام دموکراتیک و جمهوری دموکراتیک اسلامی که حرف مجاهدین بود و بازرگان هم از آن حمایت کرده بود، گفت: «هر کس جمهوری را بخواهد دشمن ماست برای این‌که دشمن اسلام است. هر کس پهلوی جمهوری اسلامی، دموکراتیک بگذارد این دشمن ماست. هر کس جمهوری دموکراتیک بگوید، او دشمن ماست. برای این‌که معلوم است اسلام را نمی‌خواهد، ما اسلام را می‌خواهیم».

پنج روز بعد از آن‌که در ۹ اسفند ۵۷ خمینی جمهوری اسلامی‌اش را با حکم نه یک کلمه بیشتر و نه یک کلمه کمتر، اعلام کرد، بیش از یک میلیون نفر از مردم تهران در ۱۴ اسفند به مزار مصدق شتافتند. پدر طالقانی که نخستین سخنران بود، با بیاناتی بسیار رسا و شیوا از مصدق به‌عنوان «مرد ملت» و «مرد نهضت» تجلیل کرد و این‌که چگونه مانند حضرت موسی در دربار یا پیرامون دربار قاجار بزرگ شد اما تحول پیدا کرد و مرد ملت شد. مانند پزشکی ماهر بر

روی نقطه درد انگشت گذاشت که همان نفت و ملی کردن آن بود. «نام او برای دشمنان ملت وحشت‌انگیز بود».

«در مقابل ملت مثل خاک خضوع می‌کرد... اما در مقابل استعمار قوی انگلیس که سیطره‌اش تمام دنیا را گرفته بود، مثل شیر می‌گرید»...

پدر طالقانی هم‌چنین خاطره‌یی از یک دیدار خصوصی خودش با کاشانی را نقل کرد و گفت، روزی که گفتگو بود در بین مردم که کاشانی از زاهدی حمایت می‌کند و توطئه‌یی در کار است «پنهانی رفتم منزل ایشان. او در اتاقش تنها بود. بریده‌یی از خریزه در دست داشت به‌عنوان تعارف جلو من گرفت. گفتم حضرت آقای آیت‌الله دارند زیر پایت خریزه می‌گذارند. مواظب باش! گفت این‌طور نیست من حواسم جمع است...» (کتاب مجموعه گفتار پدر طالقانی سخنرانی‌های عمومی صفحه ۲۹ تا ۴۷ انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران مرداد ۱۳۵۹ تهران).

- پدر طالقانی سپس به تفصیل توضیح داد که چگونه شیطان و هوای نفس باعث جداشدن کاشانی از مصدق گردید و این طبعاً برای دارودسته خمینی بسیار گزنده بود.

وقتی پس از پدر طالقانی نوبت به من رسید، از جانب مجاهدین در برابر یک میلیون نفر از مردم تهران جواب «جمهوری اسلامی» مورد نظر خمینی را دادم و گفتم: «تصویب آن در شکل رفرا ندوم پیش‌بینی شده از طرف دولت، از پیش محرز است». اما، «ما می‌گوییم جمهوری اسلام بله، ولی سوءاستفاده ارتجاعی از اسلام نه. بر همین اساس فکر می‌کنیم که خصایص ضداستعماری، ضددیکتاتوری و ضدارتجاعی این جمهوری، که بایستی حافظ حق و حقوق تمامی مردمی باشد که در سراسر این کشور زندگی می‌کنند، مبرم‌ترین خصایص این جمهوری است، که این جمهوری به‌خصوص باید در نهایت عدل بلکه بیشتر و در نهایت قسط، تمام آزادی‌های سیاسی و اجتماعی را در مورد طبقات و نیروهای مختلف افاده کند. هم‌چنین، تأکید بر نقش اجتماعی مستضعفین و طبقات محروم کارگر و دهقان جامعه را در صدر برنامه خویش قرار بدهد. والا، بدیهی است که برحسب بیان صریح سوره «ماعون»: «اگر منع

ماعون نموده یا به اصطلاح آلات و ابزار زندگی و تولید و منافع آنها را منحصر به قشر و طبقه به خصوصی نکنیم. تکذیب دین و تکذیب اسلام است.»

با توجه به سوءاستفاده خمینی از کلمه اسلام و مترادف کردن آن با ارتجاع و دیکتاتوری ولایت فقیه و بهره‌کشی، ما در نقطه مقابل او عمد داشتیم که بر محتوای واقعی و روح اصیل اسلام که ضد استبدادی و ضد استثماری و مبشر آزادی است، تأکید کنیم. به این ترتیب، خمینی را به لحاظ ایدئولوژیک خلع سلاح و دجالیت او را افشا می‌کردیم و او از همین، به غایت، می‌سوخت.

رویارویی با خمینی بر سر فراندوم

دجالیت دیگر خمینی این بود که شرکت‌کنندگان در فراندوم را بین رژیم سلطنتی و جمهوری اسلامی مخیر می‌کرد. بنابراین، در برابر تبلیغات شبانه‌روزی خمینی و دستجات چماقدار و «حزب‌اللهی» او که به تازگی میدان‌دار شده و در همه جا عربده می‌کشیدند «حزب، فقط حزب‌الله - رهبر، فقط روح‌الله»، مجاهدین بار دیگر در ۲۷ اسفند ۵۷ درباره «فراندوم و نحوه استقرار جمهوری اسلامی» اعلام کردند که: «اسلام و جمهوری اسلامی، صرف‌نظر از هر پیشوند و پسوند، برای سازمانی که از آغاز حامل یک رسالت مکتبی بوده است، البته کمال مطلوب است. مشروط بر این که آن چه به نام اسلام ارائه می‌کنیم، حقیقتاً اسلامی و به دور از هر شائبه شرک‌آمیز استبدادی و استثماری و استثماری باشد؛ اسلامی پاک، مردمی و مبرا از جعلیات، زنگارها و رسوبات طبقاتی قرون و اعصار، والا بدیهی است وجدانهای آگاه و انقلابی مسلمانان هرگز سوءاستفاده ارتجاعی از نام اسلام را روا نخواهند داشت.»

در مورد شکل استقرار جمهوری اسلامی نیز: «سوال مطروحه در فراندوم پیش‌بینی شده، تا آن جا که به نظرخواهی در مورد سرنوشت رژیم سلطنتی و بود و نبود آن مربوط می‌شود، اساساً بی‌مورد و منتفی است... زیرا اگر به‌گورسپردن لاشه سلطنت هنوز محل سوال و تردید باشد معلوم نیست که به چه مجوزی و در کادر چه نظامی دولت مهندس بازرگان معرفی شده و به کار پرداخته است؟ البته، اگر قبل از روی کار آمدن دولت مهندس بازرگان چنین

سوالی می‌شد، باز می‌شد محملی برای آن ساخت ولی اکنون مثل این است که کسی اول درب را باز کند و بعد اجازه ورود بگیرد! مگر خود آقا، بارها و بارها، در پاریس بر حقوق عموم طبقات و نیروهای مردم دایر بر حق انتخاب و اظهار نظر آزاد همگان، تأکید نکرده‌اند؟ پس چرا باید طوری عمل شود که انعکاس درستی نداشته و این شبهه را ایجاد کند که ما را فقط میان رژیم سلطنتی و جمهوری اسلامی مخیر کرده‌اند و لاغیر. آیا ما دوست داریم که بر فرض هم که کسی با جمهوری اسلامی موافق نباشد، با دادن رأی مخالف به‌جانب رژیم طاغوتی سلطنتی گرویده و موافق آن قلمداد شود؟ یا این‌که معتقدیم که هر که با ما نیست ضد ما و علیه ماست؟ یا می‌خواهیم سایرین را وادار کنیم که از ترس سلطنت، به اکراه و اجبار به جمهوری اسلامی رأی بدهند؟... بنابراین، به اعتقاد ما و بر حسب این قاعده روشن و صریح اسلامی که «هیچ‌گونه انتخاب و قرارداد و عقدی که در آن اجبار روا شده و از ابراز تمایل و اراده آزاد افراد و گروههای انسانی، به نحوی از انحاء، ممانعت شده باشد، معتبر و اصیل نیست، از دولت آقای مهندس بازرگان تقاضا می‌کنیم ترتیبی اتخاذ نمایند که امکان انتخاب آزاد هر شکل از حکومت برای هر فرد یا گروهی در نظرخواهی، وجود داشته باشد».

فصل دوم

رودرروی خمینی



فصل دوم: ردرروی خمینی

مجاهدین، از همان ابتدا، ردرروی خمینی و جمهوری به اصطلاح اسلامی او برخاستند. این راه، به وضوح، هم در کف خیابانها و صحنه سیاسی نشان دادند و هم در بیانیه‌ی دیده می‌شود که مجاهدین در ۲۷ اسفند ۵۷، با عنوان «انتظارات مرحله‌ی از جمهوری اسلامی- برنامه مرحله‌ی و انتظارات حداقلی که از جمهوری اسلامی داریم» منتشر کردند:

مگر خود آقا بارها و بارها در پاریس بر حقوق عموم طبقات و نیروهای مردم، دایر بر حق انتخاب و اظهار نظر آزاد همگان تاکید نکرده‌اند؟ پس چرا باید طوری عمل شود که انعکاس درستی نداشته و این شبهه را ایجاد کند که، ما را فقط میان رژیم سلطنتی و جمهوری اسلامی مخیر کرده‌اند و لا غیر! آیا ما دوست داریم که بر فرض هم که کسی با جمهوری اسلامی موافق نباشد؛ با دادن رای مخالف به جانب رژیم طاغوتی سلطنتی گرویده و موافق آن قلمداد شود؟ یا اینکه معتقدیم هر که با ما نیست ضد ما و علیه ماست؟ یا می‌خواهیم سایرین را وادار کنیم که از ترس سلطنت، به اکراه و اجبار به جمهوری اسلامی رای بدهند؟ در این صورت جواب کسانی را که فکر می‌کنند ایرادات واضح حقوقی و سیاسی و اجتماعی، مربوط به طرح رژیم منفور سلطنت در سؤال فراندم، که فوقاً از آن یاد کردیم عمداً به خاطر وادار کردن مردم به پذیرش جمهوری اسلامی نا دیده گرفته شده، چه خواهیم داد؟ به خصوص صراحتاً اعلام می‌کنیم که آنچه این نحوه‌ی طرح سؤال را در نظر "مجاهدین خلق ایران" با توجه به تعهد مکتبی شان در قبال اسلام ناپسند و نگران کننده می‌کند؛ این است که چرا باید تحت لوا و نام پاکیزه و مطهر اسلام، به رغم تمام حیثیت انقلابی و مکتبی تاریخی اش در برانگیختن توده‌های مردم و دعوت آنها به عدل و اقامه‌ی قسط طوری برخورد شود، که در همین قدم اول و حتی قبل از استقرار خود جمهوری اسلامی، بوی اکراه و اجبار به مشام برسد؟

درباره طرح شورای ملی مقاومت برای خودمختاری کردستان ایران

بیانیه مجاهدین دربارهٔ فراندوم و انتظارات مرحله‌یی و حداقل از جمهوری اسلامی، در نشریهٔ «پیام خلق»، شماره ۴۰ به تاریخ ۱۲ فروردین ۵۸ نیز، درج گردید. (توجه می‌دهیم که در آن زمان نشریهٔ مجاهد وجود نداشت).



مجاهدین در این بیانیه، فراندوم باسمه‌یی خمینی را به چالش کشیدند و انتظارات مرحله‌یی‌شان را، پیشاپیش، از نظام جدید اعلام کردند. در بخشی از این بیانیه مفصل در مورد رفع ستم مضاعف و خودمختاری اداری هموطنان ستمزده کرد، به‌مثابه یکی از «انتظارات مرحله‌یی حداقلی از جمهوری اسلامی» چنین آمده است:

«...رفع ستم مضاعف از همه شاخه‌ها و تنوعات قومی و ملی وطنمان در کلیه استانهای کشور و تأمین جمیع حقوق و آزادیهای فرهنگی و سیاسی برای آنها، در چارچوب وحدت و یکپارچگی تجزیه‌ناپذیر کل کشور.

بدیهی است که پایداری وحدت این میهن، دقیقا در رابطه با احقاق حقوق حقه تمامی عناصر و بخشهای تشکیل‌دهنده آن است. این نکته‌یی است که درک آن جایی برای هیچ سوءتفاهمی مبنی بر این‌که مثلا خودمختاری اداری داخلی هموطنان ستمزده کرد مقدمه تجزیه است، باقی نمی‌گذارد. اصولا به اعتقاد مجاهدین، نحوه برخورد با مسأله «ملیتها» یکی از معیارهای اصلی سنجش اصالت و مشروعیت انقلابی و مردمی و توحیدی یک حکومت وحدت‌گرا و موحد اسلامی است. اگر، چنان‌که در دوران علی علیه‌السلام دیده می‌شود، هیچ شائبه استثماری و برتری‌جویی و ستم ملی در کار نباشد، اختلافات و تضادهای قومی و ملی (میان عرب و عجم یا میان ترک و کرد و امثالهم ...)، تدریجا، حل شده و به جانب وحدت میل خواهد نمود. حال این‌که هرگونه فقدان روحیه توحیدی و وحدت‌گرا، که در چشمداشت‌های طبقاتی تجسم می‌یابد، مسأله را لاینحل ساخته و به سمت تعارض و قهر خواهد راند؛ همان چشمداشت‌های استثماری، که جامعه را به طبقات متخاصم و ناسازگار تقسیم می‌کند.

در همین‌جا، باید توجه مبرم مردم قهرمانان در کردستان و به‌ویژه توجه مبارزان و روشنفکران دلیر آن سامان را، چنان‌که خود نیز می‌دانند، مجدداً به این نکته حیاتی جلب نمود که بایستی در مسیر مبارزات عادلانه خود یک‌دم از پیوند ریشه‌یی میان ناسیونالیسم انقلابی و ترقیخواه کرد با ناسیونالیسم کل خلق قهرمان ایران غفلت نوزند».

xxx

آقای مسعود رجوی در کتاب «استراتژی قیام و سرنگونی»، درباره رویارویی با خمینی

بر سر فراندوم جمهوری اسلامی چنین می‌نویسد (صفحه ۳۷۷):

«در روز ۹ فروردین ۱۳۵۸ برگه‌های نظرپرسی در فراندوم جمهوری اسلامی منتشر شد. در این برگه‌ها هر کس حق داشت به تغییر رژیم سابق و به «جمهوری اسلامی»، آری یا نه بگوید. فقط در اثر فشارهایی که به خمینی وارد شده بود، قبول کرده بود که در ادامه عبارت تغییر رژیم سابق به جمهوری اسلامی، در برگه‌های رأی وارد شود «که قانون اساسی آن از تصویب ملت خواهد گذشت». یعنی این که مؤسسان محتوای این جمهوری اسلامی را مشخص خواهد کرد.

در همین روز خمینی در قم گفت: «فردا روز فراندوم است... روزی است که یا اسلام پیش می‌برد و یا کفر؛ روزی است که "آری"، اسلام است و "نه"، خلاف اسلام است؛ روزی است که "آری"، سرنوشت سعادت‌مند برای شما تهیه می‌کند و "نه" شما را برمی‌گرداند به حال اول».

واضح است که منظورش بازگشت به سلطنت شاهنشاهی بود. مجاهدین هم بلادرنگ اعلام کردند: «ما نیازی به این فراندوم نداشتیم... بهتر بود نحوه فراندوم طوری نباشد که از آن بوی اکراه و اجبار بیاید... مردم باید نوع حکومتی را که بدان رأی می‌دهند بدانند و آگاهی داشته باشند که دارای چه نوع ویژگی است...». (روزنامه کیهان - ۹ فروردین ۱۳۵۸).

روز بعد در ۱۰ فروردین، همه‌پرسی مربوطه برگزار شد و روز ۱۱ فروردین تمدید شد. هنگام رأی‌دادن، از من در مورد گروه‌های سیاسی که فراندوم را تحریم کردند و در آن شرکت نکردند، سوال شد (روزنامه اطلاعات - شنبه ۱۱ فروردین ۱۳۵۸). من جواب دادم: این گروه‌ها حتما ایده و هدفهای مشخصی دارند که امیدواریم شکل و محتوای جمهوری اسلامی به‌صورتی باشد که خواسته‌های آنها را برآورده سازد.

سوال شد بعضی از این گروه‌ها معتقدند که چون از محتوای جمهوری اسلامی اطلاعی ندارند در فراندوم شرکت نمی‌کنند. نظر شما در این مورد چیست؟ آیا شما از محتوای جمهوری اسلامی اطلاع دارید؟

جواب من این بود که: طبق برنامه حداقل مجاهدین، حکومت باید محتوای

ضد دیکتاتوری و ضدارتجاعی و ضداستعماری داشته باشد. سوال شد که اگر محتوای جمهوری اسلامی منطبق با حداقل سازمان شما نباشد و خود را ملزم به رعایت این برنامه نداند، سازمان شما چه برخوردی با حکومت خواهد داشت؟

جواب من این بود که دولت باید پاسخگو باشد و ما تا آخرین نفس برای تحقق خواسته‌هایمان مجاهدت می‌کنیم.

خمینی این دور از بازی را با برخورداری از حمایت توده‌های میلیونی مردم که هنوز او را در «ماه» می‌دیدند، برده بود و ما باید برای نبرد سیاسی و تک و پاتکهای بعدی در مؤسسان آماده می‌شدیم. هنر ضدانقلابی خمینی در این بود که از همان روز ورود به تهران معطل نکرد و تا تنور مقبولیت اجتماعی‌اش گرم بود، نان جمهوری اسلامی خود را، ولو به‌طور صوری و در تعارض با رژیم مدفون سلطنتی، به آن چسباند.



در پایان نظریه‌ی، دولت بازرگان اعلام کرد که بیش از ۹۸ درصد از دارندگان حق رأی در فراندوم شرکت کردند و بیش از ۹۷ درصد به جمهوری اسلامی رأی مثبت دادند.

در این دوره از نبرد، ما توانستیم مواضع و سنگرهایمان را در میان اقشار آگاه تثبیت کنیم و نگذاریم خمینی سر ضرب یکی از نیروهای اصلی انقلاب ضدسلطنتی را با تیر و حربۀ «کفر» از دور خارج کند.

اما در مورد مؤسسان، خمینی که نبض اوضاع را در دست داشت، می‌دانست که با افت روزافزون مشروعیت حکومت آخوندی مواجه است و نخواهد توانست کارش را به سادگی فراندوم جمهوری اسلامی، پیش ببرد. بنابراین از اساس، جر زد، بی‌آبرویی را به جان خرید، منکر مؤسسان شد و به جایش چیزی به نام خیرگان را علم کرد که فقط ۷۵ نماینده داشت که باید به فوریت، ضمن یک‌ماه، قانون اساسی مورد نظر او را تدوین و تصویب می‌کردند».

xxx

چنان‌که ملاحظه شد یک‌ماه بعد از پیروزی انقلاب ضدسلطنتی و سقوط رژیم شاه، مجاهدین در برنامه‌ی حداقل خودشان، که در تاریخ ۲۷ اسفند ۵۷ انتشار بیرونی پیدا کرد، خواهان رفع ستم مضاعف و ایفای حقوق حقۀ ملیتها شده و خودمختاری کردستان را مطرح می‌کنند.

اما پاسخ خمینی به خواسته‌های مردم کردستان چه بود؟ سرکوب، سرکوب و باز هم سرکوب. حکم خمینی در اردو کشی به شهر پاوه در مرداد ماه ۱۳۵۸ و فضای هیستریکی که در این باره ایجاد کرد، یک نمونه بسیار گویاست. درگیری‌های پاوه یکی از سرفصلهای درگیری‌های کردستان بود که خمینی در آن به شدیدترین وجه به سرکوب مردم کردستان پرداخت. حکم خمینی در این رابطه قابل تأمل است.

متن حکم که در «صحیفۀ» خمینی، جلد ۹ صفحه ۲۸۵، آمده از این قرار است:

«از اطراف ایران گروههای مختلف ارتش و پاسداران و مردم غیرتمند تقاضا کرده‌اند که من دستور بدهم به سوی پاوه رفته، غائله را ختم کنند. من از آنان تشکر می‌کنم و به دولت و ارتش و ژاندارمری اخطار می‌کنم، اگر با توپها و تانکها و قوای مجهز تا ۲۴ ساعت دیگر حرکت به سوی پاوه نشود، من همه

را مسئول می‌دانم. من به‌عنوان ریاست کل قوا به رئیس ستاد ارتش دستور می‌دهم که بی‌انتظار دستور دیگر و بدون فوت وقت با تمام تجهیزات به‌سوی پناه حرکت کند و به دولت دستور می‌دهم وسایل حرکت پاسداران را فوراً فراهم کند. تا دستور ثانوی، من مسئول این کشتار وحشیانه را قوای انتظامی می‌دانم و در صورتی که تخلف از این دستور نمایند با آنان عمل انقلابی می‌کنم. مکرر از منطقه اطلاع می‌دهند که دولت و ارتش کاری انجام نداده‌اند. من اگر تا ۲۴ ساعت دیگر عمل مثبت انجام نگیرد، سران ارتش و ژاندارمری را مسئول می‌دانم. والسلام. روح‌الله الموسوی الخمینی».

جریان پناه در اواخر مرداد سال ۵۸ اتفاق افتاد ولی به همان‌جا ختم نشد. خمینی، خلخال را به کردستان فرستاد و او هم با برپا کردن بیدادگاه‌های صحرایی به تیرباران فرزندان ایران در کردستان پرداخت.

اینک در شرایطی که هنوز بیش از ۶ ماه از سقوط رژیم شاه و پیروزی انقلاب ۲۲ بهمن گذشته، چه کار باید کرد و راه‌حل چیست؟

جواب مجاهدین به این سوال این بود: راه‌حل انقلابی، به‌رسمیت‌شناختن حق تعیین سرنوشت و اداره امور داخلی کردستان، در چهارچوب تمامیت ارضی ایران است، چرا که مسأله کردستان و دیگر ملیتها، اساساً، راه‌حل قهرآمیز ندارد.

طرح پیشنهادی مجاهدین درباره حل شورایی مسأله کردستان در نشریه «مجاهد»، شماره ۷، مورخ ۳۰ مهر ۱۳۵۸، به شرح زیر به چاپ رسید:

«مسأله کردستان، در مجموع، هیچ راه‌حل قهرآمیز ندارد. راه‌حل انقلابی و مردمی آن، اساساً، در به‌رسمیت‌شناختن حق تعیین سرنوشت و اداره امور داخلی آن در چهارچوب تمامیت ارضی کشور خلاصه می‌شود».

آقای مسعود رجوی در مصاحبه‌هایی به مناسبت دومین سالگرد انقلاب ضدسلطنتی، که در شش شماره نشریه مجاهد (شماره‌های ۱۰۸، ۱۶ بهمن ۵۹ تا شماره ۱۱۳، ۱۳۱ اسفند ۵۹) منتشر شد، در شماره ۱۱۳ پیشنهاد شجاعانه دیگری را در این رابطه در مقابل خمینی گذاشت. به این قسمت از مصاحبه که در صفحه ۱۴ «مجاهد» شماره ۱۱۳ منتشر شده، توجه کنید.

شماره ۱۰۸

در صفحات دیگر

● دوران انقلاب روزها اندک است
● شهادت یک افسرخون - رحیم خانی جنگ
● توکل‌های جدید به اصطلاح دانشجویان
● علیه مجاهدین و معاندان
● نظر استاد علی تهرانی درباره حیایات
● چماقداران
● بهزاد نوی شرمسار یاد ریگ‌ها!



سال دوم - شماره ۱۰۸ - پنجمین ۱۶ بهمن ۱۳۵۹ - ۳۰۰۰ تومان

سالگرد انقلاب گرامی باد

در آستانه دوسم سالگرد انقلاب ۲۲ بهمن خاطره‌ها با ما تک این روز تاریخی را گرامی می‌تابند و حلول دومین سال انقلاب را به خلق فهرا را ایران تبریک و بهیشت می‌گوئیم. مجاهدین خلق ایران سر سالگرد این روز بزرگ، صن بزرگ است خاطره‌های شهادی انقلاب و وفای راه آرمان‌های سیاسی خویش خود را در بیستون راه آزادی و برقراری نظامی غازی از امیدداد، استعمار و استبداد و نمل به جامعه‌ای بی‌طبقه‌ی توحیدی جدید می‌تابند.



مصاحبه با برادر مجاهد مسعود رجوی

درباره سیاست‌ها و نیروهای مختلف سیاسی
انقلاب ۲۲ بهمن و دولت موقت

امواج آتش‌فشان سرکشی انقلاب ایران، آنچنان خیره‌کننده است که در تمام نسلها و تاریخ آمده به ما خواهد آمد. خلاصه‌ها آنجا که به درون جامعه پناهنده‌ها انقلابی آن برمی‌گردد، انقلاب مشروطیت در برابر انقلاب ۲۲ بهمن سخت کوچک می‌نماید.

شعارهای انقلاب، عملکردهای بعد از انقلاب

مقدمه: دیکتاتوری راست‌ساز بهلولی، بحران اتحادی - امواج خروشان توده‌های ظاهر اجتماعی و سیاسی حاکم بر جبهه جبهه در اواخر عمر ساء تحقق خلق پایمال شدن.

املاصیه مجاهدین خلق ایران درباره

شهادت دوق از سرکشنندگان دربراسم بزرگ است، مجاهد شهید بهرام کردستانی در اثر هجوم مسلحانه چماقداران به این مراسم به نام خدا

به نام خلق فهرا ایران است و هنوز خون پاک این شهروندان آگاه و مبارز از مردم فهرا بر سر لریستان است هنوز چند روز از شهادت مظلومانای برادر مجاهد

توکل‌های جدید به اصطلاح دانشجویان علیه مجاهدین و معاندان نظر استاد علی تهرانی درباره حیایات چماقداران بهزاد نوی شرمسار یاد ریگ‌ها!

چماقداری، وجهی از حاکمیت انحصار طلبان

دومین سال انقلاب در حالی به پایان می‌رسد که از برکت حاکمیت دوساله انحصار طلبان بر تشویقات جامعه و قدرت مردم و عملکردهای ارتجاعی آنان ملکوت مردم با مدخوش مشکلات، ناسامانیها و وصیعت‌های بی‌گشایدند و امیدهای بسیاری مبدل به غم شده است. در اینجا نمی‌خواهیم که به مجموع گرامی‌های درخشان ا دولتی انحصار طلبان حاکم و نتایج و بی‌اندهای عملکردهای آنان پرداختیم و فقط آثار تاریخی به مسلکی چماق‌داری می‌کنیم که برادریم و فقط برجسته‌ترین این گرامی‌های درخشان است! خود پستی از تمام دو سال گذشته بر فضای اجتماعی و سیاسی جامعه ما حاکم بوده و الحقی که خدمات ناشایسته انحصار طلبان و تثبیت حاکمیت آنان کرده و خود یکی از وجوه بارز این حاکمیت شده‌است و به نظر هم نمی‌رسد تا وقتی که حاکمیت انحصار طلبان برقرار است بتوان پایایی برای آن تصور کرد.

یکی دوسال گذشته چماق و چماق‌داری سیر و جریانی آکنده از جامعه و حیایات را پشت سر گذاشته است و صدعا هزارها گفته و مخرج و مخرج از این مردم گرامی گرفته است و احتیاجی به گفتن هم ندارد که تقریباً تمام این مقید در صفحه ۲

پرسی محتوای ادراکات به اصطلاح اسلامی خرد بورژوازی غیر سستی

اکنون پس از شرح مختصر دیدگاهها و عناصر تشکیل دهندهٔ محتوای "اسلام" مسوری و ادراکات به اصطلاح اسلامی

خرد بورژوازی سستی، نوبت به پرسشی از دستهٔ اد استنتاجات مانع افکار خرد بورژوازی غیر مقید در صفحه ۲

«یک پیشنهاد تاریخی در مورد حل مسأله کردستان»

«اگرچه می‌دانم که پیشنهادی که می‌خواهم بکنم، منطقی، تا حدود بسیار زیادی غیرممکن است ولی باز هم لااقل به‌منظور آرامش وجدان و برای ثبت در صفحه تاریخ، به‌عنوان یکی از آخرین پیامهای مجاهدین، یک پیشنهاد تاریخی را به ایشان عرضه می‌کنم. پیشنهاد این است: حضرت آیت‌الله، مجاهدین که با اعتقادات و هویت مشخص خود تا آن جایی که می‌توانستند از دفاع از حقوق زحمتکشان و مستضعفان خلق خود در برابر تجاوز رژیم عراق کوتاهی نکرده و نخواهند کرد، چنان‌که می‌دانید نه در کردستان و نه در هیچ درگیری داخلی دیگر شرکت نداشته و نه تنها راه‌حل نظامی در قبال این‌گونه قضایا راه، از اساس، ناعادلانه می‌دانند، بلکه به یقین نیز می‌دانند که هیچ پایان خداپسندانه‌یی بر این درگیری‌ها، جز تهدید هر چه بیشتر وحدت و تمامیت کشور، مترتب نیست. از این حیث، موافقت نمایم که به‌خاطر انقلابمان، به‌خاطر خلقمان، و به‌خاطر تمامیت ارضی کشورمان و به‌خاطر سرفرازی اسلام، مجاهدین مسئول شوند و براساس همان پیام ۲۶ آبان ۵۸ خودتان، مسأله کردستان و سایر ملیت‌ها را فیصله و به این‌همه کشتار و سیه‌روزی خاتمه دهند. این، به‌خودی‌خود، بهترین آزمایش برای ارزیابی حقانیت و اصالت مجاهدین نیز هست و چنان‌چه موفق باشد، نه‌تنها صلح و آشتی و وحدت و تمامیت این کشور تا نسل‌ها تأمین خواهد شد، بلکه اسباب رضای خالق و دعای خیر خلق نیز خواهد بود. بدیهی است که پس از اعاده حقوق عادلانه مردم کردستان و مشخص شدن مرزهای خلق و ضدخلق، ما با هر فرد یا گروه ضد‌مردمی و هر کس که در آن سامان علیه استقلال و تمامیت ارضی کشور و نظم و آرامش آن سامان، کوچکترین خدشه‌یی وارد سازد، وارد جنگ خواهیم شد. ضمناً تصدیق می‌دهم که به‌خاطر شدت و حدت تضاد و اختلافات درونی جامعه، که معلول بلافصل سیاست‌های نادرست مسئولان است، چنان‌چه در این‌باره فکر عاجلی نشود، و پیشنهادهاتی نظیر آنچه فوقاً عرض شد، در جهت آشتی و تفاهم سراسر کشور عملی نشوند، یقین بدانید که در صورت فقدان آن حضرت، شدت تضادها به‌حدی است که چه‌بسا خودبه‌خود مهار اوضاع از دست خارج شده و به درگیری‌ها و

خونریزی‌های بسیار دامنه‌دار و اسفبار منجر شود. هم‌چنین، باید متذکر شوم که برای رفع هر شبههٔ منفعت‌طلبانهٔ گروهی در رابطه با تقدیم پیشنهاد فوق، و این‌که مبادا تصور فرمایید مجاهدین بدین‌وسیله می‌خواهند حرفهای قبلی شما را در مورد خودشان در اذهان مردم خنثی سازند، به شرط موافقت با پیشنهاد فوق پیشاپیش می‌توانید اعلام نمایید که هنوز بر سر همهٔ نقطه‌نظرهایی که قبلا در رابطه با مجاهدین فرموده‌اید، هستید و این فقط یک آزمایش برای ارزیابی صحت و سقم دعاوی مجاهدین است».

باید یادآوری کرد که در آن زمان نیروهای عراقی هنوز در خاک ایران بودند و مجاهدین با آنها، در صفوفی مستقل از صفوف پاسداران، می‌جنگیدند. پاسداران خمینی در خوزستان از پشت به مجاهدین تیر می‌زدند یا آنها را دستگیر می‌کردند. آخوندها هم مجاهدین دستگیرشده را محاکمه و به زندان و شلاق محکوم می‌کردند.

در آن زمان مسعود رجوی، خمینی را که سرمست قدرت بود، محترمانه، اما بدون به‌کاربردن عنوان امام، مورد خطاب قرار داد و شجاعانه، چنین پیشنهادی را به خمینی داد و به آن دیکتاتور خونخوار هشدار داد که به فکر فقدان، یعنی بعد از مرگ خودت هم باش! و گمان هم نکن که مجاهدین با این پیشنهاد می‌خواهند حرفهایت را در ۴ تیر ۱۳۵۹، که گفتم منافقین بدتر از کفار هستند، خنثی کنند و می‌توانی به صراحت بگویی که بر سر حرفهای هستی و پیشنهاد مجاهدین در مورد کردستان و سایر اقوام و ملیتهای ایرانی را فقط به‌عنوان یک آزمایش از درستی یا غلطی دعاوی مجاهدین در مورد کردستان و یا سایر اقوام و ملیتهای ایران قبول می‌کنی. به‌راستی که در آن زمان به‌چالش کشیدن شخص خمینی، با ارائهٔ این پیشنهاد انقلابی و میهن‌پرستانه، کاری بود کوبنده و کارستان!



مصاحبه با رهبران مجاهدین مسعودی در موضوع سیاست (۶)

تلاش جبهه ارتجاع برای رودر و روقودان آیت‌الله خمینی و مجاهدین

سودا بود؟ حرکت امام را قبول دارید... هم چنین عمل مجاهدین بگونه: مواضع برخی دیگر از طبقه طرفدار...

کوی می‌چرخاند و مدعی است که "بنا به فتوای آیتان سالکست مکتب از راه حلاله هیچ حد و مرز برای اسلام ندارد"...

مسئله در اساس این نیست که نظریات واقعی امام بر آقایان پوشیده باشد، به عکس هر کسی می‌خواهد ازفتل "امام و امت" یا خود را ببندد و به کسب خود رونق ببخشد که "الکاتب حسب الله" و تازه آخرش هم مجاهدین که هیچ کاشی جز راستگویی و یکپارچگی و عدم الودگی به درگاه کی‌ها و دودوزه‌های بیچارگی...

لیکن به نظر مجاهدین، مساله در اساس این نیست که نظریات واقعی امام بر آقایان پوشیده باشد، مکتب هر کسی می‌خواهد ازفتل "امام و امت" یا خود را ببندد و به کسب رونق ببخشد که "الکاتب حسب الله"...

آز آنجا که تعریف‌های مجاهدین به معنای آیت‌الله خمینی با ما هیچکدام جز پوشش‌دهی واقعی نیست، می‌توانیم دیگر امت موسسان و حزب توده را با سستی مسئولان کند که این خود آنها هستند که باید بنیابند و مواضع واقعی خود را در برابر "خط امام" مشخص سازند.

امام علی (ع) انگلیزی بگرهبر اسلامي

حرف، آند حرف و گسی یاد است و می‌تواند برای بومی بگریزین شد... انگلیزها جوابی برای آن که طرد شده روی خفا، خمینی به مجاهدین انگلیسی می‌گوید...

هر که بخواهد مواضع امام را بداند، باید است و کفر می‌کنم اظهار می‌کنم...

یک پیششهادت تاریخی در مورد دخل سلفی کردستان

به حسن دلیل اگرچه می‌دانم که پیششهادی که می‌خواهم بکنم، مسائلی است که حدود بسیار زیادی غیر ممکن است... ولی باز هم لاف‌ها به منظور آراش وجدان برای امت در سینه تاریخی، به عنوان یکی از آخرین پیام‌های...

فصل سوم

راه‌حل ملی و انقلابی

در برابر راه‌حل ارتجاعی خمینی



فصل سوم: راه حل ملی و انقلابی در برابر راه حل ارتجاعی خمینی

درگیری‌ها و سرکوب خونین در کردستان در تابستان و پاییز ۱۳۵۸ ادامه داشت. راه حل خمینی، ادامه جنگ و سرکوب نظامی بود تا کردها از حقوقشان صرف‌نظر کنند. در نقطه مقابل، مجاهدین خواهان آتش‌بس و راه حل سیاسی و به رسمیت شناختن حقوق مردم کردستان ایران بودند.

نشریه «مجاهد» شماره ۸، ۷ آبان ۱۳۵۸، بر راه حل سیاسی، به عنوان تنها شیوه حل مسئله کردستان، تأکید می‌کند:

«مسئله کردستان یک مسئله ملی است و بنا بر ماهیت آن، جنگ و کشتار از نظر ما محکوم است و چنانچه دولت نیز قصد پیشقدمی در حل مسئله را دارد در قدم اول باید آتش‌بس فوری داده و کشتار را محکوم نموده و از طرف خود متخلفین را به شدیدترین وجهی تنبیه نماید. تنها در این صورت می‌توان جنگ افروزان منطقه کردستان را به مردم شناساند. طفره رفتن از این گام اولیه و ابتدایی چیزی را روشن نمی‌کند جز این که دولت هنوز به راه حل نظامی چشم امید دوخته و بنابراین، پیش‌بینی آینده از نظر ما چندان مشکل نیست. به نظر ما، موفقیت چندان برای سفر سه وزیر نمی‌توان تصور کرد و فقط در صورت تغییر مشی دولت و اعلام صریح این که راه حل سیاسی تنها راه حل مسئله و بالمآل موفقیت اقدامات است، می‌توان به پایان جنگ امید بست. سرزمین به خون تپیده کردستان را چیزی جز یک راه حل سیاسی به آرامش باز نمی‌گرداند.»

باید یادآوری کرد که در آن زمان هنوز شورای ملی مقاومت و طرح خودمختاری وجود نداشت. به همین دلیل، پیشنهادها را در موضعگیری‌های مجاهدین، که بعداً تشکیل‌دهنده شورای ملی مقاومت شدند، جستجو می‌کنیم، آن‌هم در شرایطی که خمینی و کارگزارانش بر طبل سرکوب در کردستان می‌کوبیدند و هموطنان کرد را ضدانقلاب معرفی می‌کردند. واقعیت این بود که ارتجاع حاکم با ایدئولوژی خمینی، در حل مسائل اجتماعی و سیاسی، پاسخی جز سرکوب و قهر نداشت. در ایدئولوژی و نظرگاه ارتجاع حاکم جایی برای احقاق حقوق مردم، برای دموکراسی و آزادی و برای خودمختاری و اداره امور داخلی وجود نداشت و نمی‌تواند وجود داشته باشد. اما در برابر خمینی و ارتجاع تحت نام اسلام، مجاهدین حرف دیگری داشتند: راه‌حل ملی و انقلابی.

xxx

مجاهد خلق موسی خیابانی در مصاحبه‌یی که تحت‌عنوان «چه کسی در کردستان پیروز می‌شود؟» در نشریه «مجاهد»، شماره ۹، ۱۴ آبان ۱۳۵۸ به چاپ رسید، چنین گفت:

«ما درباره مسأله ملیتها و نحوه حل آن نقطه‌نظرهای روشنی داریم، که آنها را از همان ابتدا، یعنی از فردای پیروزی قیام خونین خلقمان اعلام کرده‌ایم. ما همزمان با وقایع گنبد هشدار داده، و بعد از آن‌هم در موارد و مناسبت‌های مختلف با پیش‌بینی وقایع احتمالی اعلام خطر کرده و راه‌حلهای اصولی و صحیح مسائل را، که به نظرمان می‌رسیده، عرضه کرده‌ایم که البته مورد توجه قرار نگرفته است. متأسفانه ما در ماههای اخیر شاهد وقایع خونین کردستان هستیم، که در زمینه همان مسأله ملیتها اتفاق افتاده است و نشانه برخورد‌های نادرست و غیراصولی و ناتوانی در حل صحیح مسأله است.

به نظر ما، مسأله ملیتها یک راه‌حل اساسی و اصولی دارد، که البته راهی است کاملاً شناخته‌شده و هیچ چیز عجیب و غریبی هم نیست و آن عبارت است از "به رسمیت شناختن اصل حق تعیین سرنوشت و اداره امور داخلی در چارچوب وحدت و تمامیت ارضی خدشه‌ناپذیر کشور". البته روشن است که این یک راه‌حل انقلابی است و این‌که چه کسی بتواند از عهده آن برآید، مطلب دیگری است.»



سال اول - شماره ۹ - مورخه ۱۴ آبان ماه ۱۳۵۸ - شماره ۱۵۱۷

گفتگو با در مجاهد نویسی خیابانی (۲) چه کسی در کردستان پیروز میشود؟

از دخالت عملی در مسألهٔ ملیت‌ها خودداری می‌نمایم و خود در این صحنه با نیت ریخته‌ده در سدن مسأله نشویم



ایمان به دربار مسأله ملیت‌ها و...
ایمان از برای
اعمال اعلام
فایده‌کننده‌ها
از دوستان است
ایمان از برای
اصول و مصلحت
مردم و عرصه
از برای نوحه فرارگری
بفکر در صحنه

در شماره قبلی مجاهد (شماره ۸) فست اول گفتگو با در مجاهد نویسی خیابانی را تحت عنوان «چه کسی به ناموجود اختلاف و اشتاب در ساری مجاهدین خلق دامن میزند؟» چاپ کردیم. در بارهٔ آن کردستان استازین خودخوانده گان میگردانیم:
صفا در قسمت اول گفتگو در جایی که از «بانگه طبعانی عناصر و مرها» صحبت و به مقصد تاریخ «آثار» پرداخته است، «استعار» چاپ شده که به بی‌سوسلیه تصحیح مینماید. و اینک دنبالهٔ گفتگو:

حجت‌عبدالله و انانوی

گفتگو با در مجاهد نویسی خیابانی (۲) چه کسی در کردستان پیروز میشود؟

فرهنگ‌مفصل و فواین اصول مبارزهٔ انقلابی در سدن

مردود و صنایع در این سدن خلق فدا می‌شود

شده: دام نامعاصر از برای سر سر از سر...
فرهنگ‌مفصل و فواین اصول مبارزهٔ انقلابی در سدن...
مردود و صنایع در این سدن خلق فدا می‌شود...

در شماره قبلی مجاهد (شماره ۸) فست اول گفتگو با در مجاهد نویسی خیابانی را تحت عنوان «چه کسی به ناموجود اختلاف و اشتاب در ساری مجاهدین خلق دامن میزند؟» چاپ کردیم. در بارهٔ آن کردستان استازین خودخوانده گان میگردانیم:
صفا در قسمت اول گفتگو در جایی که از «بانگه طبعانی عناصر و مرها» صحبت و به مقصد تاریخ «آثار» پرداخته است، «استعار» چاپ شده که به بی‌سوسلیه تصحیح مینماید. و اینک دنبالهٔ گفتگو:

علاوه بر این، مجاهدین در یک تلگرام فوری به مجلس خبرگان خمینی، که در ۲۳ آبان ۱۳۵۸ یعنی ۱۸-۱۷ روز قبل از فرماندوم قانون اساسی ولایت فقیه (که آن را تحریم کرده بودند) در نشریه «مجاهد» ۲۸ آبان ۱۳۵۸ به چاپ رسید، از جمله اعلام کردند:

«... نیازی به تکرار نیست که در این میهن، نسل مشتاق و به خون نشسته‌یی چشم‌انتظار است و حتی با صرف نظر کردن از نحوه انتخابات و ترکیب گروهی آقایان و طول مدت قانونی و کالتشان (یک ماه)، چنانچه موارد زیر در فصل قانون مراعات نگردد، از دادن رأی مثبت به آن معذور است:

- محدود نمودن حقوق مالکیت و تصرف، در چارچوب قرآنی و مکتبی «کار»؛
- منوط نمودن بهره‌وری از زمین و محصول، به کسی که بر روی آن «کار» کرده است؛

- تصریح حاکمیت مردم، که جملگی خلیفه و جانشین خدا در زمین‌اند و اراده خود را تنها از طریق یک مجلس و یک قانون واحد انقلابی و اسلامی بیان می‌کنند؛

- اداره و تصدی کلیه امور کشور از طریق شوراهای واقعی؛
- اعاده حقوق همه ملیتها و اقدام مبنی بر تعیین سرنوشت و اداره کلیه امور داخلی‌شان در چارچوب تمامیت ارضی خدشه‌ناپذیر کشور؛
- تضمین آزادی همه احزاب و گروهها تا مرز قیام مسلحانه، که تنها معنی واقعی کلمه چندپهلوی «توطئه» است...».

بدین ترتیب مجاهدین از همان ابتدا اعلام کردند که به قانون اساسی ولایت فقیه رأی نمی‌دهند مگر آن‌که بر حاکمیت مردم (و نه حاکمیت و ولایت آخوند) در آن تصریح شده باشد. هم‌چنین بر «اعاده حقوق همه ملیتها و اقوام مبتنی بر تعیین سرنوشت و اداره کلیه امور داخلی‌شان در چارچوب تمامیت ارضی خدشه‌ناپذیر کشور» و نیز «تضمین آزادی همه احزاب و گروهها تا مرز قیام مسلحانه» به‌جای کلمه چندپهلوی «توطئه»، که در فرهنگ و قوانین شیخ و شاه رایج بود، تأکید کردند.

خمینی در ۲۶ آبان ۱۳۵۸، یعنی دو هفته قبل از فرماندوم قانون اساسی ولایت فقیه،



سال اول - شماره ۱۱ - دوشنبه ۲۸ آبان ماه ۱۳۵۸ - شماره ۱۵ رسال

تلگراف فوری به مجلس خبرگان

نسل مشتاق و بخون‌نشته ما حتی با صرف نظر کردن از نحوه انتخاب و ترکیب گروهی خبرگان و با این بافتن مدت و کالت قانونی آنها در راس یک‌ماه، باز هم از دادن رای مثبت به تصویب کنونی آنها معذور است. مگر اینکه...

در آستانه یاد هجدهمین فرین هجرت و در آوج‌گیری مجدد شهید امیرالمؤمنین امام مردم ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران مجدداً توجه فرود آگاهی را به مسئولیت خطیر تاریخی‌شان، راجع به تعیین یک قانون اساسی طراز اسلام و طراز مردم جلب نموده، و آرزو میکند تا با یک تجدید نظر انقلابی و واقع‌در آخرین نشست خود، بعد از اقل انتظارات مرحله‌ای نسل انقلابی این مهین از یک قانون اساسی رهائی بخشنده امیرالمؤمنینی و اسلامی، امیدگ گویند. باشد که به این ترتیب هیچ موردی برای تفرقه و جدائی افشار مختلف از یکدیگر، آن هم در این موقع حساس، باقی نماند.

نیازی به تکرار نیست که در این مهین، نسل مشتاق و بخون‌نشته‌ای چشم انتظار است، و حتی با صرف نظر کردن از نحوه انتصابات و ترکیب گروهی آقایان و طول مدت قانونی و کالتشان (یک‌ماه)، چنانچه موارد زیر در فصل قانون مراعات نگردد، از دادن رای مثبت به آن معذور است:

- ۱- محدود نمودن حقوق مالکیت و تصرف، در چارچوب قرآنی و مکتبی "کار"
- ۲- ممنوع نمودن بهره‌وری از زمین و محصول، به کسی که بر روی آن "کار" کرده است.
- ۳- تخریح حاکمیت مردم که جنگلی خلیفه و جانشین خدا در زمینند و اراده خود را تنها از طریق یک مجلس و یک قانون واحد انقلابی و اسلامی بیان میکنند.
- ۴- اداره و تصدی کلیه امور کشور از طریق شوراهای واقعی.
- ۵- اعاده حقوق همه ملت‌ها و اقدام مثبتی بر تعیین سرنوشت و اداره کلیه امور داخلی‌شان در چارچوب تعامیت ارضی خدشه‌ناپذیر کشور.
- ۶- تضمین آزادی همه احزاب و گروه‌ها تا مرز قیام مسلحانه که تنها معنی واقعی کلمه "توطئه" است.
- ۷- ابقاء تمام قراردادهای تشکیل استعماری و قطع همه وابستگی‌های امیر-پالیستی و ملی کردن کلیه سرمایه‌گذاران و سهام مربوطه بویژه در رابطه با امپریالیسم امریکایی (دشن اصلی ما).

کاهش بالیک گفتن به حداقل انتظارات مرحله‌ای از یک قانون اساسی رهائی بخشنده امیرالمؤمنینی و اسلامی، هیچ موردی برای تفرقه و جدائی افشار مختلف از یکدیگر، باقی نمی‌ماند.

ایضا: "فصل آزادی عمر هر چه طولانی‌تر برای امام خمینی، تصدیع میدهد که می‌آید فراموش شود در این مهین همیشه رهبری همچون ایشان نیز بوسه کار نخواهد بود. و این نکته است که عنایت به آن آینده این کشور را تا آنجا که به قوانین اساسی آن مربوط میشود از بسیاری مخاطرات برحذر خواهد داشت.

با احترام - مجاهدین خلق ایران

۵۸ / ۲۳ / ۱۳۵۸

به کردستان، دجلانه، روی خوش نشان داد و در حکمی که صادر کرد از هیأت ویژه دولت در مورد کردستان خواست به مذاکره بپردازند تا آرامش و رفاه برقرار شود. اما، چنین مذاکراتی، هیچ‌گاه، تحقق نیافت.

حکم خمینی شیاد، که در ۲۶ آبان ۵۸ اعلام شد، چنین بود:

«از هیأت ویژه می‌خواهم که به مذاکرات خود با کمال حسن‌نیت ادامه دهند و با شخصیت‌های مذهبی و سیاسی و ملی و سایر قشرها تماس بگیرند تا تأمین خواسته‌های آنان، که خواست ما نیز هست، به‌طور دلخواه بشود و آرامش و امن، که از بزرگترین نعمتهای الهی است، در منطقه برقرار گردد و شما برادران کرد در کنار سایر برادران به‌طور رفاه و آسایش زندگی نموده و طمع اجانب برای همیشه از کشورمان قطع شود.»

تاریخ گواه است که حکم خمینی، فقط و فقط، جنبه تبلیغاتی داشت و هیچ‌گاه مذاکراتی انجام نشد. البته مجاهدین بارها و بارها به همین فرمان تبلیغاتی خمینی استناد کردند و صداقت آخوندها را به چالش کشیدند و خواهان گفتگو با احزاب و گروه‌های کردستان برای پایان دادن به درگیری‌ها و رسیدن به راه‌حلی اصولی شدند.

xxx

نشریه «مجاهد»، شماره ۱۴، ۱۹ آذر ۱۳۵۸، در مطلبی تحت‌عنوان «پیشنهاد مجاهدین خلق: کنفرانس ملی صلح کردستان» نوشت:

«...مردم را آزاد بگذارید که انتخابشان را بکنند و وقتی چنین انتخاب آزادی صورت گرفت دیگر اشکال تراشی نکنید و با طرف مقابلتان به گفتگو نشسته و اختیارات مقتضی را به او بدهید زیرا از دو حال خارج نیست:

- ۱- یا نمایندگان و رهبری مزبور شایسته است که فبها...
- ۲- یا شایسته نیست که به‌هرحال جبر تاریخ است و باید لااقل برای یک دوره به آن تن داد. چرا که مردمی که به آن رهبری یا حزب یا شخصیت ابراز اعتماد کرده‌اند، خودشان بایستی در عمل به نتیجه مورد نظر برسند. البته ما مطمئن هستیم که این مطالب آن‌قدر ساده و پیش‌پاافتاده است که جای هیچ‌اما و اگر ندارد...

بنابراین، ما اعلام می‌کنیم که: خودداری از مذاکره با رهبران و احزاب مورد اعتماد مردم در کردستان (که از طریق یک نظرسنجی آزاد نیز قابل تحقیق بیشتر است) در واقع چیزی جز اعلام جنگ مجدد در منطقه نیست، و علی‌هذا پس از تمرکز قدرتهای تصمیم‌گیری و اجرایی در شورای انقلاب، دیگر تا آن‌جا که به دولت مرکزی مربوط می‌شود هیچ بهانه‌یی در این رابطه برای جنگ‌افروزی نباید پذیرفته شود».

xxx

رفراندوم قانون اساسی ولایت‌فقیه در روزهای ۱۱ و ۱۲ آذر ۱۳۵۸ به اجرا گذاشته شد و بعد هم اعلام کردند ۹۹/۵ درصد شرکت‌کنندگان به آن رأی مثبت داده‌اند و تصویب شد! این در شرایطی بود که از یک ماه قبل خمینی در یک نمایش به اصطلاح ضدامپریالیستی فضای سیاسی را با گروگانگیری در سفارت آمریکا قبضه کرده بود. هدف، چنان‌که بعدها مهره‌های خود رژیم به زبانهای مختلف بیان کردند، از یک طرف، در کرنر گذاشتن و به‌حاشیه‌راندن مجاهدین و از طرف دیگر، لیبرال‌زدایی از ملغمه لیبرال- ارتجاعی حاکمیت در آن روزگار بود. به‌عنوان مثال، موسوی‌اردبیلی، قاضی‌القضات خمینی، در آبان ۱۳۶۴ در سالگرد گروگانگیری گفت:

«گروگانگیری باعث سقوط دولت موقت بازرگان، انزوای لیبرالها و شکست مجاهدین شد و به همین خاطر خمینی آن را انقلابی بزرگتر از انقلاب اول عنوان کرد. هم‌چنین، در ۱۰ آبان ۱۳۷۹ پاسدار سرتیپ سیف‌اللهی، فرمانده ستاد نصر در امور عراق و مشاور خامنه‌ای، گفت: اولین فایده گرفتن سفارت آمریکا و گروگانگیری در رابطه با امنیت نظام این بود که در شرایطی شکل گرفت که مجاهدین سعی می‌کردند مبانی انقلاب اسلامی را تخریب کنند».

(خبرگزاری جمهوری اسلامی)

به این ترتیب، خمینی با گروگانگیری یک ماه قبل از رفراندوم قانون اساسی ولایت‌فقیه، فضای سیاسی را دجالانه قبضه کرد اما مجاهدین فریب این ترفند او را نخوردند و در کمال شجاعت به وظیفه ایدئولوژیک و تاریخی‌شان در تحریم رفراندوم ولایت‌فقیه عمل کردند.

درست روز بعد از پایان فراندوم، یعنی در روز ۱۳ آذر، مجاهدین پیشنهاد «تشکیل شورای ملی صلح کردستان» را برای آتش‌بس و گفتگو با احزاب و شخصیت‌های مورد اعتماد مردم کردستان ایران و هیأت ویژه دولت درباره تشکیل شورای ملی صلح کردستان ارائه دادند، هر چند که گوش خمینی، به هیچ وجه، بدهکار نبود. این پیشنهاد در شماره ۱۴، ۱۱ آذر ۱۳۵۸ نشریه «مجاهد» به چاپ رسید.

در دی ماه ۱۳۵۸ اولین انتخابات ریاست جمهوری بعد از انقلاب ضدسلطنتی، که آقای مسعود رجوی هم در آن کاندیدا شده بود، برگزار شد. در این انتخابات شخصیت‌های برجسته کردستان و گروه‌های سیاسی آن، ضمن حمایت یکپارچه از آقای رجوی، اعلام کردند به کاندیدای مجاهدین رأی خواهند داد.

روز جمعه بیستم دی ماه ۱۳۵۸ مسعود رجوی طی سخنانی در گردهمایی انتخاباتی در دانشگاه تهران بر روی آزادی به عنوان جوهر و مفهوم حرکت تاریخ، تأکید کرد و گفت: فلسفه هر انقلاب عروج بر قله‌های آزادی‌ست.

او در این سخنرانی، بار دیگر، بر راه حل ملی و انقلابی و «تأمین حقوق ملیتها و آزادی آنان از ستم مضاعف» تأکید کرد و گفت:





همسوز آیت‌الله طالقانی
به مسعود رجوی رأی می‌دهد

گنجینه‌های ارزشمند از هر نوع دانشی، فقهی و عرفانی، تاریخی و علمی، با همکاران سابق مبارزان راست، مسعود رجوی تا چند ماه پیش در قم نگهداری می‌شدند. اما با کودتای ۲۸ شهریور، این گنجینه‌ها به سران ارتجاعی سپرده شد و به چارهای خوارگ و سفاک ارتجاعی سپرده شد. در حالی که این گنجینه‌ها از دیدگاه علمی و فرهنگی، تاریخی و ادبی، ارزش بی‌شماری دارند و باید در اختیار دانشجویان و محققان ایرانی قرار گیرد. به همین جهت، ما در این شماره از نشریه «جبهه» به مسعود رجوی رأی می‌دهیم و از او می‌خواهیم که این گنجینه‌ها را به دست دانشجویان و محققان ایرانی بازگرداند.

مسعود رجوی: آیت‌الله طالقانی

شماره پنجم، سال اول - انتشارات «جبهه» - شماره ۲۸ - انتشارات ۲۸

گردد هم آئی شکوه مند انتخاباتی مجاهدین خلق در دانشگاه تهران

ما بخاطر مبارزه با سازشکاری، مبارزه با منفرد کردن و منزوی کردن نیروهای راستین انقلابی، بخاطر بقا و سندهر چه بیشتر این نیروها، بخاطر مبارزه با امپریالیسم و سیاست حقوق بشری و نیروهای واپس‌گرا در این انتخابات شرکت می‌کنیم.

دانشگاه تهران، صحنه‌ای از انتخابات مجاهدین خلق ایران در رابطه با انتخابات ریاست جمهوری با حضور هیئت مدیره در صحن دانشگاه تهران بود. این گروه‌ها با رأی ۴۰ درصد از کل رأی‌دهندگان، ۴۰ درصد از کل رأی‌دهندگان را برای خود انتخاب کردند. این انتخابات در صحن دانشگاه تهران برگزار شد و در آنجا حضور دانشجویان و محققان ایرانی در این انتخابات، نشانه‌ای از آگاهی و مشارکت مردمی در فرآیند انتخاب‌های ملی بود.

پیش بینی توپنه‌ها

گردستان پس از ماه‌ها فیهرو جدال برنامه و کاندیدایی زابقه است که در حل و فصل صلح آمیز سه‌ماهه به او امید می‌بخشد.

سرور و همگی جنگ افروان این ایام تاریخی ۲۶ آبانماه جنسی آغاز شد.

این پیش‌بینی بر مبنای تحولات اخیر در فرآیند انتخابات ریاست جمهوری و تحولات اخیر در فرآیند انتخابات ریاست جمهوری است. ما معتقدیم که این روند به نفع مردم ایران است و ما از پیروزی نهایی نیروهای راستین انقلابی حمایت می‌کنیم.

گردستان یکپارچه در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کرده و به کاندیدای سازمان مجاهدین خلق ایران مسعود رجوی رأی خواهد داد.

گاندیداتوری برادر مجاهد مسعود رجوی و پشتیبانی گروهها و دستجات گوناگون آن

بنام ان شاء الله تعالی، گردستان یکپارچه در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کرده و به کاندیدای سازمان مجاهدین خلق ایران، مسعود رجوی رأی خواهد داد. این اقدام نشان‌دهنده وحدت و همبستگی مردم گردستان است.

ملاقات نمایندگان جنبش‌های آزادیبخش با رهبران سازمان مجاهدین خلق ایران

ملاقات با رهبران سازمان مجاهدین خلق ایران در تهران برگزار شد. در این دیدار، نمایندگان جنبش‌های آزادیبخش با رهبران سازمان مجاهدین خلق ایران دیدار کردند و در مورد مسائل مربوط به انتخابات ریاست جمهوری گفت‌وگو کردند.

دانشگاه و انقلاب

دانشگاه و انقلاب، نقش مهمی در فرآیند انتخابات ریاست جمهوری دارد. ما از دانشجویان و محققان ایرانی دعوت می‌کنیم که در این فرآیند مشارکت کنند.

شهرها در جنگال امپریالیسم

شهرها در جنگال امپریالیسم، شاهد تحولات مهمی در فرآیند انتخابات ریاست جمهوری هستند. ما از مردم شهرها دعوت می‌کنیم که در این فرآیند مشارکت کنند.

ساختن باسادران

ساختن باسادران، نشانه‌ای از آگاهی و مشارکت مردمی در فرآیند انتخابات ریاست جمهوری است. ما از مردم دعوت می‌کنیم که در این فرآیند مشارکت کنند.

شاه‌رفت امپریالیسم چطور؟

شاه‌رفت امپریالیسم چطور؟، موضوعی است که ما در این شماره از نشریه «جبهه» به آن پرداخته‌ایم. ما معتقدیم که شاه‌رفت امپریالیسم، مانع از پیشرفت ایران است.

از ماسک‌تراپیست

از ماسک‌تراپیست، موضوعی است که ما در این شماره از نشریه «جبهه» به آن پرداخته‌ایم. ما معتقدیم که ماسک‌تراپیست، مانع از پیشرفت ایران است.

در بارش

در بارش، موضوعی است که ما در این شماره از نشریه «جبهه» به آن پرداخته‌ایم. ما معتقدیم که در بارش، مانع از پیشرفت ایران است.

پادشاهان (مجاهد الف و مجاهد فقهی)

پادشاهان (مجاهد الف و مجاهد فقهی)، موضوعی است که ما در این شماره از نشریه «جبهه» به آن پرداخته‌ایم. ما معتقدیم که پادشاهان، مانع از پیشرفت ایران است.

راکب امپریالیسم

راکب امپریالیسم، موضوعی است که ما در این شماره از نشریه «جبهه» به آن پرداخته‌ایم. ما معتقدیم که راکب امپریالیسم، مانع از پیشرفت ایران است.

زحمتکش اسود آرد در دل دریای خزر سفید

زحمتکش اسود آرد در دل دریای خزر سفید، موضوعی است که ما در این شماره از نشریه «جبهه» به آن پرداخته‌ایم. ما معتقدیم که زحمتکش اسود آرد، مانع از پیشرفت ایران است.

دردهای تک در جاده‌های بی‌روی هوایی

دردهای تک در جاده‌های بی‌روی هوایی، موضوعی است که ما در این شماره از نشریه «جبهه» به آن پرداخته‌ایم. ما معتقدیم که دردهای تک، مانع از پیشرفت ایران است.

از بند تا مسلسل

از بند تا مسلسل، موضوعی است که ما در این شماره از نشریه «جبهه» به آن پرداخته‌ایم. ما معتقدیم که از بند تا مسلسل، مانع از پیشرفت ایران است.

ردفای جبهه‌داری است امپریالیسم

ردفای جبهه‌داری است امپریالیسم، موضوعی است که ما در این شماره از نشریه «جبهه» به آن پرداخته‌ایم. ما معتقدیم که ردفای جبهه‌داری، مانع از پیشرفت ایران است.



«... به همه مردم ما ستم می‌شد، اما این ستم وقتی که به هموطنان کرد یا به بلوچ و ترکمن و عربمان می‌رسید، مضاعف می‌شد. از سرمایه‌گذاری‌ها در آن‌جا خبری نیست؛ از پیشرفت در آن‌جا خبری نیست... مسائل ملی ما یک واقعیت هستند و جز به شیوه انقلابی قادر به حل آنها نخواهیم بود...»
(نشریه «مجاهد»، شماره ۲۵، ۱۹ دیماه ۱۳۵۸)

اما، خمینی در وحشت از حمایت گسترده مردمی و احزاب و گروه‌های سیاسی و کابوس انتخاب مسعود رجوی، کاندیداتوری وی را برنتابید و چند روز بعد، به‌رغم حرف قبلی‌اش مبنی بر عدم تأیید یا رد کاندیداها، او را با یک فتوا به‌خاطر رأی‌ندان به قانون اساسی ولایت‌فقیه و پابندی به حاکمیت مردم حذف کرد.
روزنامه اطلاعات ۳۰ دی ۱۳۵۸، نوشت: «مسعود رجوی از دور مبارزات خارج شد». خمینی: «کسانی که به قانون اساسی رأی مثبت نداده‌اند حق ندارند رئیس‌جمهور شوند».



مجاهد

شماره ۷

مسئله کردستان در پیوند جبهه راه حل فراجوانان

روزی است که خون جوانان مسی
 سرزمین سوخته‌ای است که همه آتش
 چه کرده‌اند تا بر زمین برآید
 در روزگار وین وین وین
 پشه‌ها و زنبورها تا بر ما می‌آیند
 آندوه‌ها و دریا را می‌بندند بر ما

مردان همدیس را در جمله انقلابات
 موفقی که آمده‌اند است که ما
 سرپرستی و منظور منطقه تمام
 انقلاب ایران از انقلابت و پیوستن
 فراغ می‌دهد و دستا به کارگران
 نسبتاً با یک کارآمدت مناسب
 بود و مورد گردن است از رهن عمیق
 و هوشیاران که دیگری بر سر مسی
 ما که... ۱۹۶۰ ساله از انقلاب
 که اکنون شما و ارتقاء و فضا
 پیدا شده و در پیوستن شما
 انقلابتان و ما را در مساجد و
 چون بکنند، شما را یک بار تمام
 ما در هر چه در پیوستن شما را
 ظاهر و آشکارا و آشکارا در هر چه
 از این طریق این انقلاب و پیوستن
 می‌کنند.

بخش دوم

۱ - پیوستن تسلیل کل و وصل
 مردمی که آمده‌اند و زمان بر سرمان
 و تمام شده‌اند و ما را در پیوستن
 ما در هر چه در پیوستن شما را
 ما با ما در پیوستن شما را
 ما با ما در پیوستن شما را

طرح پیشنهادی مجاهدین درباره حل شورایی مسئله کردستان

راه‌حل انقلابی مردمی از انسان‌دوستانه و مسست شناختن حق‌النسبت و
 آزادی و برابری آن در جوار خود و مسست شناختن حق‌النسبت و

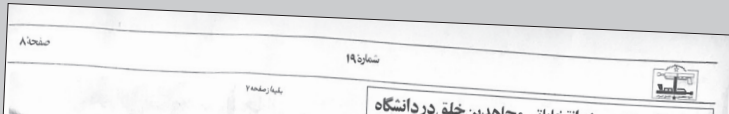
آنجا که ما را در پیوستن شما را
 ما در هر چه در پیوستن شما را
 ما با ما در پیوستن شما را
 ما با ما در پیوستن شما را

۱ - این با من در پیوستن شما را
 ما در هر چه در پیوستن شما را
 ما با ما در پیوستن شما را
 ما با ما در پیوستن شما را

۱ - این با من در پیوستن شما را
 ما در هر چه در پیوستن شما را
 ما با ما در پیوستن شما را
 ما با ما در پیوستن شما را

انقلابات در خون طغیان می‌شود
 ما در هر چه در پیوستن شما را
 ما با ما در پیوستن شما را
 ما با ما در پیوستن شما را

۱ - این با من در پیوستن شما را
 ما در هر چه در پیوستن شما را
 ما با ما در پیوستن شما را
 ما با ما در پیوستن شما را



گردهم آیی شوهمند انتخاباتی مجاهدین خلق در دانشگاه



امروز یکشنبه که در پی عقوبت انقلابی در این سرزمین، دانشجویان در حوضه را به عنوان نماد یک جبهه جدید به خلق ایران معرفی نمودند. خطراتی که همسایه یک باره انقلابی، امروزه متجاوز از هر دوره ای است...

آزادی جوهر و بنیوم حرکت تاریخ است.

آزادی اینها آن نیست که در هر لحظه از تاریخ به کار آید بلکه آزادی اینها آن است که در هر لحظه از تاریخ به کار آید...

جنبش و تاریخی با خود تاریکی اسیدان حقیقت و انحراف و از بیخ است.

آزادی از هر نوع استبداد است. استبداد از هر نوع استبداد است. استبداد از هر نوع استبداد است...

- درباره کارگران:
۱- اداره امور کارخانه توسط شورا های واقعی.
۲- تقو کبلیه مطالبات مالی رژیم پیشین و ابادی آن از کارگران محروم.
۳- تقو همه قوانین و مقررات ضد کارگری و تدوین قانون جدید کار با نظر خود کارگران.
۴- تقو تمام کسور دولتی از قبیل مالیات و بیمه و امثالهم از دستمزد کارگران و تأمین هزینه های ضروری نظیر بیمه بازنشستگی توسط خود دولت از محل درآمد نفت.
۵- افزایش تصدی حقوق السهم کارگران از سود کارخانجات به نسبت افزایش سود کل.
۶- سپردن اداره بانک رفاه کارگران و سایر صندوقها و بانکهای کارگری به خود ایشان.
۷- تهیه شیرخوارگاه و کودکستان برای کودکان کارگران.
۸- تأمین کار و مسکن برای تمام کارگران.

همان عمل گسترده...
مجاهدین خلق ایران...
تاریخ مبارزه...
مجاهدین خلق ایران...



فصل چہارم

حقوق ملیتہا



فصل چهارم: حقوق ملیتها

آقای مسعود رجوی در اولین انتخابات «مجلس شورای ملی» بعد از انقلاب ضدسلطنتی، که هنوز خمینی نام آن را به «مجلس شورای اسلامی» تغییر نداده بود، شرکت کرد و در مصاحبه‌یی که در نشریه «مجاهد»، «فوق‌العاده شماره ۳ انتخابات»، منتشر شد باز هم به دفاع از حق حاکمیت مردم و تصدی تمام امور کشور به وسیله شوراهای واقعی و اعاده حقوق ملیتها و حق خودمختاری پرداخت و گفت: ما اینها را خواستیم، مگر چیزی غیر از این خواستیم؟

این همان انتخاباتی بود که رژیم بعد از همه تقلبات خودش برای مسعود رجوی از تهران بیش از ۵۳۱ هزار رأی اعلام کرد، اما نه آقای رجوی و نه هیچ یک از مجاهدین در سراسر کشور به مجلس راه نیافتند، هر چند که رژیم آنها را به لحاظ آرا در رده دوم بعد از حزب خمینی یعنی حزب حاکم جمهوری اسلامی، اعلام کرد.

xxx

اما کردستان هم چنان ناآرام بود و کشتار پاسداران خمینی در آنجا ادامه داشت. کشتار مردم ستمدیده روستای «قلاتان» در ایام نوروز ۱۳۵۹ از آن جمله بود. مجاهدین این کشتار را محکوم کردند و خواهان معرفی و مجازات عوامل این کشتار شدند. نشریه «مجاهد»، شماره ۲۹، ۱۰ فروردین ۱۳۵۹ در مطلبی تحت عنوان «تسلیت و سوال از مسئولین در ارتباط با کشتارهای اخیر کردستان» نوشت:

«طبق اخبار واصله، بار دیگر دستهای توطئه‌گر و آتش‌افروز، عده‌یی از مردم

زحمتکش و ستم‌دیده کردستان را در روستای "قلاتان" به خاک و خون کشیده‌اند. سازمان مجاهدین خلق ایران ضمن عرض تسلیت به تمام خلق ایران و به‌ویژه خواهران و برادران عزیزمان در کردستان، از مقامات مسئول می‌خواهد که عوامل دست‌اندرکار این فاجعه ملی هرچه سریعتر معرفی و مجازات شوند.

پاسداران خمینی مثل همیشه تلاش می‌کردند که هموطنان کرد را مسبب درگیری‌ها و کشتارها نشان بدهند. آن روزها تکنولوژی ارتباطی امروز وجود نداشت تا با تهیه عکس و فیلم از تک‌تک صحنه‌ها، دروغهای پاسداران خمینی برملا شود. آن روزها، این وظیفه را اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌های احزاب و گروههای سیاسی برآورده می‌کرد که عوامل رژیم آنها را انکار می‌کردند.



نشریه «مجاهد» شماره ۵۳، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۵۹ «اعلامیه کردهای مقیم مرکز دربارهٔ حوادث اخیر کردستان» را، به شرح زیر، منتشر کرد:

«جمعیت کردهای مقیم مرکز با احساس مسئولیت نسبت به آیندهٔ مردم کردستان و سرتاسر ایران لازم می‌داند شما را در جریان وقایع روزهای اخیر سقز و سنندج قرار دهد. به شهادت روزنامه‌هایی که هرروزه به دست هموطنان ارجمند می‌رسد، خلق کرد بارها و بارها اعلام کرده است که مشکل کردستان راه‌حل نظامی ندارد و آماده است تا در هر لحظه و مکان با نمایندگان حکومت جمهوری اسلامی به بحث و گفتگو بنشیند و به جای استفاده از وسایل کشتار انسان، از طریق عقل و منطق، مشکل کردستان را حل نماید. متأسفانه سران ارتش و سپاه پاسداران و کسانی که منطقی جز استفاده از سلاحهای مخرب

شماره ۵۳

صفحه ۲

اعلامیه کردهای مقیم مرکز در بارهٔ حوادث اخیر کردستان

جمعیت کردهای مقیم مرکز با احساس مسئولیت نسبت به آیندهٔ مردم کردستان و سرتاسر ایران لازم می‌داند شما را در جریان وقایع روزهای اخیر سقز و سنندج قرار دهد. به شهادت روزنامه‌هایی که هرروزه به دست هموطنان ارجمند می‌رسد خلق کرد بارها و بارها اعلام کرده است که مشکل کردستان راه‌حل نظامی ندارد و آماده است تا در هر لحظه و مکان با نمایندگان حکومت جمهوری اسلامی به بحث و گفتگو بنشیند و به جای استفاده از وسایل کشتار انسان، از طریق عقل و منطق، مشکل کردستان را حل نماید. متأسفانه سران ارتش و سپاه پاسداران و کسانی که منطقی جز استفاده از سلاحهای مخرب

را که در مسجد جامع مداوا می‌شوند - به نام دفاع از اسلام با فانتوم و هلی‌کوپتر هدف راکت و بمب قرار داده‌اند و شش نفر از زخمیهای بستری در مسجد را به قتل رسانیده‌اند، تنها بیمارستان شهر سنندج را که در آنجا اعمال جراحی برای نجات زخمیها انجام می‌گردد به توب بسته و آن را به ویرانه‌ای تبدیل کرده‌اند. در نتیجه این اعمال غیرانسانی که شاید در دنیا بی‌نظیر باشد، صدها زخمی بدون مداوا مانده که اکثریت آنها در معرض نابودی هستند سپاه پاسداران حتی از رسیدن دوا و درمان به این زخمیها جلوگیری می‌کند در این حال صدا سیمای جمهوری اسلامی ایران با تحریف حقایق مردم شرافتند ایران را از دریافت اخبار مربوط به این سیاست احمقانهٔ اسان‌ها باز می‌دارد. از تمامی مردم ایران به ویژه زنانی، مذهبی، حنفی، مذهبی، جمعیت شیروخورشید سرخ ایران، صلیب سرخ و سازمان عفو بین‌الملل تقاضا داریم برای احراز حقیقت نمایندگان بی‌شهرستانهای کردستان بفرستند و از نزدیک سیاست غلطی جهت کردهای مقیم مرکز

سود جامعهی بی‌اخلاقی ایران در جهت مبارزات ضدایرانیستی مردم مین مال است، خلق کرد را به سرکوبی تهدید کرده است. در تعقیب این اظهار نظرها، فرماندهان جنگ افروز به عناوین مختلف مردم بیگناه سقز و سنندج را مورد تهاجم بیگناه سقز قرار داده و صدها نفر زن و مرد کودک خردسال را بوسیلهٔ خمپاره و راکت با فانتوم و هلی‌کوپترهای کبری مورد اصابت قرار داده و تعداد زیادی را در این دوشهر و روستاهای اطراف آن را به خون کشیده‌اند بسیاری از آن‌ها که نوسه‌ای در دره‌ج کتور غیراسلامی نیز نمی‌توان پیدا کرد، متأسفانه موجب ویران شدن لاق‌ل دوست خانهٔ فقیرترین سقز و سنندج و آن شهر و تعداد زیادی خانهای شهرستان سنندج و اطراف آنها شده است، این گونهٔ اعمال که حکایت از جنگ‌افروزی و کودتای بی‌منطقی سران ارتش و سپاه پاسداران می‌کند، متأسفانه به نام دفاع از اسلام و حکومت جمهوری اسلامی صورت می‌گیرد، بیمارانی

و نابودی انسانها نمی‌شناسند، به‌منظور مشتعل ساختن نائرة جنگی، حقایق را تحریف نموده و می‌نمایند.

مردم شرافتمند ایران!

خلق کرد بارها ثابت کرده است که نه جنگ‌افروز است و نه تجزیه‌طلب. خواست این خلق، مشروع و منطقی است و در چهارچوب مقررات قابل تحقق می‌باشد».

اما، تنها کسی که جنگ می‌خواست خمینی بود. خمینی با علم‌کردن و بهانه‌تجزیه‌طلبی تلاش می‌کرد مردم کردستان را سرکوب کند؛ مردمی که تحت ستم مضاعف بودند و هنوز هم هستند. تجزیه‌طلبی بهانه‌ی بی‌ست که این روزها هم شنیده می‌شود و هرگاه ملیتهای ایرانی حق و حقوقشان را طلب می‌کنند با بهانه‌تجزیه‌طلبی به سرکوب آنها می‌پردازند.

«کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان» نامه سرگشاده‌ی منتشر کرد که در نشریه «مجاهد»، شماره ۱۱۸، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۰ درج شده است:

«نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان»

«شما آقای رئیس‌جمهور؛ شما نمایندگان مجلس شورای اسلامی؛ شما سازمانهای ملی و دموکراتیک، نمایندگان خود را به کردستان بفرستید تا به چشم خود ببینند که در این‌جا، مسئله گروهکها نیست؛ در این‌جا ملت یکپارچه به‌پا خاسته است که از شرافت و آزادی و موجودیت خود دفاع کند و به‌هیچ‌وجه حاضر نیست در برابر ستم و استبداد سر تسلیم فرود بیاورد. شما هم، هم‌وطنان گرامی، به خود آییند و گریبان‌گردانندگان جمهوری اسلامی را محکم بچسبید و از آنها بخواهید تا برای شما توضیح دهند که چه کسی این جنگ را به راه انداخته و ادامه آن به‌سود چه کسی است؟... از آقایان گردانندگان جمهوری اسلامی بپرسید تاکنون چند نفر سرباز و پاسدار در کردستان کشته شده و چند میلیارد تومان خرج لشکرکشی علیه مردم کردستان گردیده است؟ سوال کنید و پاسخ صریح بخواهید...!»

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران به خلقهای رزمنده به سازمانهای دموکراتیک و ملی و به شخصیت های آزاد میخواجه ایران

نامی سرگشاده کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان به دشمنان رسید . ما به علت کمبود امکانات فرج تمامی نامه نمود . لذا آن را با تلاش در این جهت که تغییر واقعی بر محض نام بوجود نیاید خلاصه کردیم . هم چنین به سبب این نامه پاسخ حزب دموکرات کردستان ایران به پیشه‌په‌های دولت در رابطه با حل مسالمت آمیز سالهای کردستان وجود داشت که خلاصه آن را نیز در انتهای همین نامه می‌خوانید .

روایت ریاست جمهوری
— مجلس شورای اسلامی
— سازمان مجاهدین خلق ایران
— روزنامه‌های انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی، مجاهد .

هیوستان گرامی!
خلقهای دوستدار ایران!
درست یک سال پیش در روز دوم فروردین ۱۳۵۹، کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران نامه سرگشاده‌ای برای آیت‌الله خمینی فرستاد، حزب ما در آن نامه هشدار داد که اگر طبق ادعای خود مردمی پاسداران کردستان می‌شوند و لشکرکشی به سوی کردستان موقوف نگردد کردستان عزیز، یکبار دیگر به خون کشیده خواهد شد

یک سال پیش کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران در نامه سرگشاده‌ای متوجه بنده بودیم یکبار دیگر ما در حالت انقلاب می‌کنیم که کردستان در حال اشغال است . به نظر ما در شرایط کنونی فرودستن آتش جنگ بر مردم کردستان، حیانت به انقلاب ایران و به خون هزاران شهید ارجمند خلقهای ایران است چنین جنگی نتیجه داخلی مبارزه علیه امپریالیسم را تضمین می‌کند و به نوبه‌های دشمن انقلاب افکار سوخت می‌دهد حزب دموکرات کردستان ایران به همه یاران و رفیقان خود و به یوئله‌های نظامی و سیاسی خود هشدار داد که اینک در کردستان جنگی وجود دارد که در صورت عدم توجه به آن، به نفع حزب دموکرات کردستان ایران و به نفع ملت ایران و به نفع منطقه خاور میانه و به نفع تمام انسانها و به نفع تمام انسانهای آزادیخواه و به نفع تمام انسانهای آزادیخواه و به نفع تمام انسانهای آزادیخواه و به نفع تمام انسانهای آزادیخواه

حاکم مطلق کشور به کردها به نماینده هموطن درجه دوم بنگرد . مردم کردستان ایرانیان همین پرستی هستند که نه قبول دارند کسی خود را ایرانیتر از آنان بداند و نه اجازه می‌دهند کسی به آنان درس مین پرستی و ایران-دوستی بدهد

ما انبام جیره‌طلبی به حزب لشکرتان مردم کردستان حزب ما و مردم کردستان پیوسته همچون مدافعان واقعی استقلال ایران و مبارزان پیگیر آزادی، بریتانیسم، اعدای نوده‌اند

خلقهای رزمنده ایران!
از آقایان گردانندگان جمهوری اسلامی بپوشید تاکنون چند نفر سرباز و پاسدار در کردستان کشته شده و چند میلیارد تومان خرج لشکرکشی علیه مردم کردستان شده است؟ سؤال کنید و پاسخ صریح خواهید داد

هم چنان که گفته شد ، جنگ دوم علیه مردم کردستان در فروردین ما ۱۳۵۹ آغاز شد یعنی ماه بعد کمانگاری جنگ بین ایران و عراق آغاز گردید و عراق به همین عزیز مانناور و هستی از خاک کشورمان را تصرف کرد ما در روزهمین ماه ۱۳۵۹ اعلام کردیم که اگر قدرت حاکم خوستهای مردم کردستان را بپذیرد و پاسداران را از کردستان فرمانده بپوشانند آیت‌الله که در کنارش و پاسداران از استقلال ایران در مقابل تجاوز کردستان؛ اما این بار عراق دفاع نمایند؛ آیت‌الله اشراقی نیز پاسخ قدرت حاکم تنها هیئت‌وزیران و سبب‌گولود وطن شده بود سوال شد چرا در حالی که یک کشور خارجی وطن ما را مورد تجاوز قرار داده است شما در داخل وطن علیه مردم کردستان می‌جنگید؟ جواب داد که نه ایران به ما گفتند جنگ علیه کرد حامیین چنین است موضع قدرت حاکم نسبت به خلق ستمدیده کرد! نوددهای مردم کردستان زهری حزب لشکرتان را در مبارزات خود سلاخ خود گردانید، نفوذ حزب ما در انحصارات مجلسی حیزگان و مجلس شورای ملی به خوبی نشان شد . در بسیاری از شهرهای کردستان بیش از ۸۰

خلاصه پاسخ حزب دموکرات کردستان ایران به پیشه‌په‌های دولت مرکزی در رابطه با حل مسالمت آمیز مسئله کردستان

دربین شما مردم این اقلیت به اینکه سالها کردستان را حل قضایی ندارد و اشغال از یاقین راه حل سیاسی و مسالمت آمیز راه حل درست را مذاکره ای جدی و نام با اساسی مسئولیت - و همین طرفین مذاکره کننده باید دارای صلاحیت و اختیارات کافی باشند و همین طرفین مذاکره باید نامشکلگاری سیاسی در مذاکرات کردستان ایران باشد می‌باشد

سیس به شرح خوستهای مردم کردستان برداشته در آن به خود مختاری کرد کرد در چهارمورد برداشته نامیاتی از کشور جمهوری اسلامی افکار شده و - قلمرو جغرافیای کردستان به خوست اکثریت ساکنان هر منطقه و گذار برده شد، هم چنین خوستها تا منطقه خود را پاسداران ملی صلاح کردند . در این امر القاء، تخریبنامه مربوط به انحلال حزب دموکرات و انحصار تودمهی فوق‌العاده‌ای برای حیزران و برتریهای شهرها درخواست شد است . در حال حاضر این پاسخ میخواجه کردن موارد فوق شرح گردیده است .

کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران
۱۳۴۰/۱/۲۲

بهار سال ۶۰ مملو از روزهای پراشتهای پرالتهاب بود. در سیام خرداد سال ۱۳۶۰ مجاهدین تظاهرات ۵۰۰ هزار نفره‌یی را در خیابانهای تهران ترتیب دادند تا با خمینی اتمام حجت کنند. اما، پاسخ خمینی به این تظاهرات مسالمت‌آمیز گلوله بود و بس. این بار مردم نه در کردستان بلکه در خود تهران به خاک و خون کشیده شدند. به این ترتیب، آخرین قطرات آزادی از بین رفت و دیگر امکان اعاده حقوق مردم در کادر مبارزات مسالمت‌آمیز، به هیچ‌وجه، امکان‌پذیر نبود.

شماره ۱۱۸
صفحه ۳۲

گوشه‌ای از
ارقام نجومی تاریخی‌های
بنیاد مستضعفین و
حیو و میل‌ها
وغارتگریهای مرتجعین (۲)
در صفحه ۶



سال دوم - پنجشنبه ۱ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ - شماره ۱۱۸ - تهران

ترور ناجوانمردانه
شهرام اسماعیلی یکی از
هواداران مجاهدین در
قائم شهر توسط یک پاسدار
در صفحه ۳

موج اعتراض گسترده علیه کشتار مجاهدین

در اعتراض به جنایات ضد خلقی ارتجاع و بخاطر احياء خون شهدای اخیر مجاهد بویزه خواهران شهید ملیشیا
بیش از ۱۵۰ هزار نفر از مردم تهران بسوی خانه پدر طالقانی راهپیمائی کردند
جماداران و ابادی مسلح حزب حاکم، راهپیمائی مسالمت آمیز مردم را به آتش و خون
کشیدند. بیش از ۷۰ تن مجروح و ۲ تن به شهادت رسیده‌اند
در صفحه ۳



گوشه‌ای از راهپیمائی اعتراضی مردم علیه کشتار مجاهدین

سرعقاله
صفحات جدید
شورا
در "مجاهد"
در صفحه ۳

پیام برادر مجاهد
مسعود رجوی
بمناسبت اعتراضات سراسری
علیه شکنجه و کشتار مجاهدین خلق
در صفحه ۱



آخرین روز، اچیدر با فرزند شهید شریلیشیا ای قهرمان فاشعمر حسین

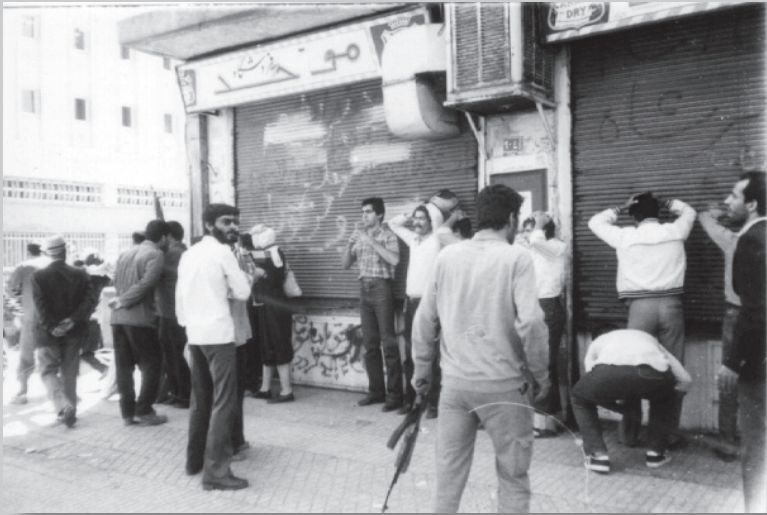


مجاهد شهید و دود پورا هوی "کم"
در راهپیمائی تهران توسط گلوله
کمیته‌چینی‌ها به شهادت رسید.

اطلاعیه مجاهدین خلق ایران
در باره حوادث و
راهپیمائیهای اخیر شهرستانها و
تهران و جنایات و تبلیغات
مرتجعین انحصارطلب
در صفحه ۱



تظاهرات ۵۰۰ هزار نفری مردم علیه رژیم آخوندی در سال ۱۳۶۰
در حمایت از مجاهدین



یک ماه بعد از ۳۰ خرداد، شورای ملی مقاومت ایران در سی‌ام تیر سال ۱۳۶۰ تشکیل شد و برنامه شورا و دولت موقت در ۵ مهر ۱۳۶۰ با امضای مسعود رجوی منتشر شد. در ماده ۵ برنامه شورا در مورد حقوق ملیتها آمده بود:

«حقوق ملیتها: بدیهی است که پایداری تمامیت ارضی و وحدت ملی این میهن دقیقاً در رابطه با احقاق حقوق حقه تمامی عناصر و بخشهای تشکیل دهنده آن است. به این ترتیب، خودمختاری داخلی به مفهوم رفع ستم مضاعف از همه شاخه‌ها و تنوعات ملی و وطنمان و تأمین جمیع حقوق و آزادی‌های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی برای آنها در چارچوب وحدت، حاکمیت و یکپارچگی تجزیه‌ناپذیر کشور ضرورت جدی دارد.»

برنامه دولت موقت

۵- حقوق ملیتها

بدیهی است که پایداری تمامیت ارضی و وحدت ملی این میهن دقیقاً در رابطه با احقاق حقوق حقه تمامی عناصر و بخشهای تشکیل دهنده آنست. به این ترتیب خودمختاری داخلی به مفهوم رفع ستم مضاعف از همه شاخه‌ها و تنوعات ملی و وطنمان و تأمین جمیع حقوق و آزادی‌های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی برای آنها در چارچوب وحدت، حاکمیت و یکپارچگی تجزیه‌ناپذیر کشور ضرورت جدی دارد.

دولت موقت جمهوری دمکراتیک اسلامی همچنین تلاش خواهد کرد تا قومیت‌های محلی (مثلاً کردستان) را با احقاق حقوق حقه آن، به صورت بخشی از ملی‌گرائی ترقی‌خواهانه‌ی تمام ملت ایران تثبیت نموده و این دو را برای همیشه از تعارض با یکدیگر خارج سازد. این تلاش از سوی دیگر با مبارزه‌ی دمکراتیک - ضدامپریالیستی سراسری و مبارزه برای سازندگی و نوسازی ملی مرتبط و در چارچوب آن امکان‌پذیر است.

قبل از تصویب طرح خودمختاری کردستان ایران توسط شورای ملی مقاومت، آقای مسعود رجوی به‌طور جداگانه از موضع مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران در آن زمان، در پیام خود به‌مناسبت آغاز نوزدهمین سال تأسیس سازمان در نیمه شهریور ۱۳۶۲، که در نشریه «مجاهد» شماره ۱۶۸ مورخ ۱۷ شهریور ۱۳۶۲ درج شده، پیرامون نقطه‌نظر و اعتقاد اصولی مجاهدین و هم‌چنین مواد برنامه شورا و دولت موقت اعلام کرده بود:

«از آن‌جا که شورای ملی مقاومت (به‌مثابه تنها آلترناتیو دموکراتیک) تنها نیروی نظامی، سیاسی و اجتماعی متشکل و گسترده است که در برنامه و مصوبات خود، صریحاً، خودمختاری کردستان، به معنی رفع ستم مضاعف از هموطنان محرومان در آن سامان را در کادر تمامیت ارضی خدشه‌ناپذیر ایران به‌رسمیت شناخته است، خمینی تلاش می‌کند تا هموطنان کرد ما را از احقاق حقوق حقه خود در ایران دموکراتیک نیز ناامید نموده و اراده رزمنده مقاومت در آنان را تضعیف کند؛ همان خمینی که تاکنون پیوسته تلاش کرده و می‌کند تا با مشتبه‌ساختن امر بر سایر مردم ایران، «خودمختاری» را دقیقاً معادل «تجزیه‌طلبی» جلوه دهد. به این ترتیب، خمینی همان سیاست سرکوبگرانه، حق‌کشانه و ضد‌مردمی را ادامه می‌دهد که بالمآل برای هموطنان ستمزده ما در کردستان پیامی جز این در بر ندارد که: یا تسلیم به شرایط موجود و گردن‌نهادن به سلطه جبارانه خمینی یا تجزیه! پس رژیم خمینی با همه منویات خبیثی که در پس کلمات ناپاک رئیس مجلس ارتجاع علیه مردم کردستان و سراسر ایران و علیه شورای ملی مقاومت و مجاهدین خلق ایران نهفته است، قبل از هر چیز، تخطئه مقاومت و تحکیم حکومت و سلطه پلید خود را در نظر دارد. بنابراین، به‌منظور اطلاع افکار عمومی سراسری، و به‌ویژه به‌خاطر مطمئن‌ساختن هموطنان ستمزده خود در کردستان از نتایج مقاومت عادلانه‌شان در قبال رژیم ضدبشری خمینی مبنی بر رفع ستم مضاعف و لغو هرگونه تبعیض میان کرد و فارس، ضمن تأکید بر این نقطه‌نظر عقیدتی مجاهدین، که در اصول، هر خلق و مردم و ملت و ملیتی حق دارد، سرنوشت خود را، به‌تمام و کمال، رأساً تعیین کند، سرخط نقطه‌نظرهای مجاهدین را در این باره، که رهنمون عمل ما در مرحله

تاریخی کنونی است، مختصراً، به استحضار می‌رسانم:

۱- در میان توده مردم کردستان ایران هیچ گرایش یا تمایل تجزیه‌طلبانه جدی و مؤثری وجود ندارد و براساس تحقیقات و برخوردها و شواهد بسیار! این مردم دلیر و زحمتکش و غیور، هم‌چون سایر مردم ایران، هیچ تمایلی به جدایی از میهن خود ندارند؛

۲- مبرم‌ترین خواسته سیاسی مردم مقاوم کردستان به رسمیت شناختن حق خودمختاری ایشان در چارچوب تمامیت ارضی ایران است، که طبعا از عهده رژیم ارتجاعی خمینی برنمی‌آید و تنها در توان جانشین (آلترناتیو) دموکراتیک- انقلابی، یعنی شورای ملی مقاومت و دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی ایران است؛

۳- مفهوم اساسی خودمختاری، رفع ستم ملی و استثمار ملیتهای تحت‌ستم و تأمین کلیه حقوق سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی آنها در چارچوب وحدت، حاکمیت و یکپارچگی کشور است؛

۴- به‌استثنای امور مربوط به روابط خارجی (اعم از سیاسی، اقتصادی و گمرکی)، دفاع ملی، برنامه‌ریزی درازمدت اقتصادی، نظام پولی و مالی و الزامات مربوط به هماهنگی و یکپارچگی کلی نظام قضایی کشور، که در صلاحیت دولت مرکزی است، اداره سایر امور منطقه خودمختار، اعم از امور اداری، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و انتظامی، در صلاحیت شوراها و ارگانها و مقامات منتخب مردم کردستان است که با مراعات قانون اساسی نظام جمهوری جدید کشور عمل خواهند نمود؛

۵- نمایندگان مردم منطقه خودمختار کردستان مطابق اصول قانون اساسی نظام جمهوری آینده کشور، مانند نمایندگان همه بخش‌های دیگر ایران در مجلس قانونگذاری کشور و اداره امور دولت مرکزی شرکت خواهند نمود؛



پیام مسئول اول و فرمانده عالی سازمان مجاهدین خلق ایران برادر مجاهد مسعود رجوی بمناسبت آغاز نوزدهمین سالگرد تأسیس سازمان

صحت است که به اینجا رسید با یادآوری هر آنچه در پیام فراد سال جاری مناسبت دومین سالگرد آغاز انقلاب شوم مردم ایران بیان داشتیم، بازم برای ثبت در سینه تاریخ و به منظور روشن کردن جوایب بحث، مسوان یک مجاهد خلق خاورشان می‌کنم:

اغلب مسائل و مشکلات سیاسی ما در خارج از کشور، آزادی‌طلبی و آشوبی خدشناک پدید بر سرآزادی و استقلال و حاکمیت ملی و مردمی سرشده می‌گردد. زیرا خد آزادی و استقلال، محدودیتها و اجتماعات را تحمل نبوده و تنها به انگه خلق خود و آزادی فردی و رضایت بیشتر ذخائر انسانی و منابع طبیعی ملت‌های محروم است. مخصوصاً با توجه به موقعیت استراتژیکی فوق‌العاده مهم ایران؛ نسلی که هرگز نمی‌خواهد بر خد آزادی و استقلال و منبش قدم بردارد، تا تحمل بسیاری مشکلات، محدودیتها و اجتماعات را تحمل نوده و تنها به انگه خلق خود و آزادی فردی و رضایت بیشتر بر خد استوار نگردد.

از صد انقلاب به مقولوب نائل شوند.

مقاومت و استقلال ایران - به منظور سرنگونی دشمن خودکامه و استقرار حاکمیت مردمی و آزادی آزاد عمومی - سوزناک نگاه می‌کنیم. مقاومت ایما دکسترده می‌سرای برخوردار می‌گردد و وسای شگنجه و خون دشمنان هزارا سیر و شهیدان کشته می‌شود ساگرچه همه چیز نسبتاً ایما اقل واقع می‌نماند، دنیا هرگز برای حقایق میراثی و مشروعیت‌ناشی از مقاومت (ولو بطور مرحله‌ای) می‌باشد. و این در حقیقت چیزی است که از قضا مجاهدان در ایران حرف‌های بی‌کلی فاقد اند. حال آنکه ما پیوسته مجاهد و محسوب می‌شیم؛ نهایتی که مدعی می‌باشیم و در هر صورت از مجاهدین هستند. ما از منبر لفاظی به میدان عمل قدم نهد و هیچ‌کس خود را نمی‌داند که در صورت اشکات صلاحیت بیشتر و اثبات کفایت و ارجحیت ایشان در مسیر استقرار هر چه سریع تر حاکمیت مردمی؛ پیوسته کمر به خد مت آنها برنندیم.

زنجیران در گناکشان ابطالات به زیر می‌نشیند.

همه میبایان

چماکچه می‌دانید، چندی پیش رئیس مجلس ارتجاع (رئیس‌جمهور) - قطعاً با اشاره به شخص خمینی - با یادآوری "صدقه‌ها" که مجاهدین به سرتاوی این رژیم فداشتری زده‌اند، تلویحاً از همه آنهاست که در خارج "بجهان" مجاهدین و شوری ملی مقاومت افتادند قدر دانستند و از "عشال" باقیوق مجاهدین که گویا بر خرم او می‌خواستند؛ "صفی جناح‌های مخالف را در آنجا (در خارج کشور) از افسران فراری و سلطنت‌طلبها و ملی‌گراها و چریک‌های کمونیست و سوسیالیست و مسلمان و استال اینها جمع ... کنند؛ و سخن گفت، وی همچنین با اشاره به شوری ملی مقاومت افزود:

"حالا نه خودبختی (دیگر) است، نه ملت‌نواستی هست، نه حکومت ابتدایی ..."

بهداست که هدف رئیس مجلس ارتجاع و امام فرومایه‌های این ابرام عبارات، در مغز آن تشدید شده‌اند؛ و مجاهدین و شوری ملی مقاومت، ایجاد ایما در بر خدی شوری و ولت و وقت آینده از بسکو و ایجاد سو: تمام توانان برای هوشان ستمزدهی ما در گدستان و همچنین سر بر آستان‌های کشور است؛ به‌عبارت دیگر از آنج که شوری ملی مقاومت (بشماره‌ای انتهای انقلابی و دگرگونی) نیز هوشان نظامی، سیاسی و اجتماعی، مشکلات و گسترده است که در بر خاده و مصوبات خود صریحاً خودبختی در گدستان به معنی عدم دفاع از هوشان حرم‌رمان در شانان را از خد مردم نامیت از می‌خدند؛ خدشده‌ها در ایران به تنبست نشانه‌است؛ و خمینی نظری می‌کند تا هوشان بزرگ با از اقل حقایق جمهوری خود در ایران در خدیف‌کنند. همان خمینی که زنده می‌بوده تلاش کرده و می‌کند تا با شتاب با ختن ام بر تمام مردم ایران؛ "خودبختی" را فقط عادل "تجزیه طلبی" جلوه دهد. به این ترتیب خمینی همان سیاست سرگورگانه، حق‌گشا و ضد مردمی را ادامه می‌دهد که با ایما این هوشان ستمزدهی ما در گدستان پچامی جز این در بر خدارد؛ که با تسلیم به شرایط موجود و گردن نهادن به سلطه جبارانه خمینی و با تجزیه پس رژیم خمینی با منعی مبنای حاکمیت خمینی که در پس گدلت ناپاک رئیس مجلس ارتجاع بر علیه مردم گردستان و سراسر ایران و بر علیه شوری ملی مقاومت و مجاهدین تلاش کرده و می‌کند تا با شتاب با ختن ام در خد مقاومت و تحکیم حکومت و سلطه پاید خود را در نظر دارد.

باین منظور اطلاع اکتاز عمومی ساری، ویژه جاحف مکتب سنج هوشان ستمزدهی خود در گدستان از نتایج مقاومت عادلانه‌شان در قبال رژیم ضد بشری خمینی منب بر رف معتم صافع این نقشه نظیرتخمین مجاهدین که در اصول، هر خدق مردم و ملت و ملیتی حق دارد سرشود خود را به تمام و کمال آسان تعیین کند؛ بر خد نقطه نظرهای مجاهدین در این باره که از رهنمون عمل ما در مرحله تاریخی گدنی است مستضر با ستحکار می‌رسم:

- ۱- در می‌نودمی مردم گردستان ایران هیچ گرایش با نمای جاحف سلطنت‌طلبانه جدی و مؤثر وجود ندارد؛ بر اساس تحلیلات و برخوردها و شواهد بسیار؛ این مردم دلیر و زحمتکش و قیور همجون سایر مردم ایران چنین تمایلی به خدانی از منب خود ندارند. خصوصیت گردستان ایران در شوری ملی مقاومت و حزب دگرگونی گردستان ایران در شوری ملی مقاومت و سرور مقاومت و تفک بر خاده و بر خاده و وفادارگی انترام این حرکت جمهوری دگرگونی، لاسی می‌باشیم که گواه ایستندگ تجزیه‌طلبی و جانی در میان مردم

به این ترتیب سر در بر خی توهم فرو برده و چنین می‌نندارد که گویا با نیش و نوش به سلطنت و سلطنت‌طلبی و داعیه‌های جمهوریخواهی صوری و متزلزل می‌توانان مجاهدان را و شواکشی و زیر خرب بردن تمام‌ها را تنها انتراتیون دگرگونی موجود را جبران نمود. اما واقعیت ایست که ملت ایران احتیاجی به زحمت کشیدن اقلایان در بر خاده سلطنت ندارد و چندین سال پیش با قیام یکپارچه‌ی ملی مقاومت و تکلیف را در این زمینه یک بار و برای همیشه روشن نوده است.

خلاصه کتم: اینان چنانکه گاه در محافل خود مانگ با مصالاح آزادخواهی و ملی‌گراتی را از چهره برداشته و اکتاز اذعان می‌دارند؛ رژیم خمینی را برانته بر مجاهدین و شوری ملی مقاومت مرجع می‌نشانند. واقعیتی که بروشی هر چه نامت‌ر مابیت خود آنها را بر ملا می‌کند. شوری ملی مقاومت داوری و شلیفتناش؛ این مردم ایران؛ شوری ملی مقاومت ایران و مجاهدین خلق ایران از بسکو و رژیم خمینی بسیار بزرگترند.

باین مابیت (مجاهدین) از افشانه مابیت پروتلی ندرامیم ولو اینکه در مسیر عادلان و تثالم مراحل بعدی انقلاب ایران و منظور تعیین آزادی و استقلال و حاکمیت پایدار مردم ایران و تجزیه‌طلبی نهایی خون شیدان ناگزیر باشیم هم امروز تاوان افشانه مابیت برخی را بخورد دریافت رگباری از جانسوزندترین حملات و بارانی از تبست و اقترا شامسندانه و خمینی‌گرایانه برداریم.

برایستی می‌۱۸ سال گذشته کدام جنبش آزادبختش و کدام نیروی زمسدهی انقلابی به اندازی مجاهدین مورد لعن و نعت و تمسب و افترا واقع شده‌است! اکنون بخین داریم که شگوفهای رهائی و استقلال مبین در

غلبه کند.

از این جهت وقتی که در وای انگشته‌ها و حسابتهای موضعی؛ در خاکشها و شتابه‌های شتابش صتدیت با شوری ملی مقاومت (بشماره‌ای تنها جانشین دگرگونی، ملی و مردمی برای رژیم خمینی) دقت می‌کنیم و وقتی که به معنی حقایقهای مجاهدان به آینه‌ها و پانهای سیاسی شوری ملی مقاومت و زنده‌ترین نیروی مشکل اجتماعی و سیاسی آن نظر می‌کنیم؛ بر حسب اطلاعات موقی و خدای خمینی به این نتیجه می‌رسیم که:

در شرایط مشخص داخلی و بین‌المللی موجود، این سازمان و این شورا که اکنون بالاترین استعداد و آادگی نظامی، سیاسی و اجتماعی و تکنالژی برای کسب آزادی و استقلال ملی و حاکمیت مردمی ایران (بشماره‌ای تنها انتراتیون دگرگونی) را در خود نیفته دارد؛ ستر سدید همه‌ای استانیست که به ترتیب یک ایران واقعا دگرگونی و مستقل را خوش می‌دارند.

حقیقتی که دقیقاً به همین دلیل، گاه و در هر فرصتی برانند تا زیر خرب کردن دگرگونیس پایدار و آزادیات و استقلال مجاهدین و وارد کردن انواع قدرت رسیدی انتراتیونهای مستانه‌ده و ضد دگرگونی‌گرا و صوار کنند. به این ترتیب مجاهدان را و شواکشی و تفک در شرایط جاحف لاترین منافع قدرتمندی استعماری را در رابطه با ایران بردارند؛ بلکه مغول متقلب جنگنک و جراع و غلامت بسیار قابل فحاشی است برای زندگی و سازش تاریخی با همان سیاست استعماری که این بردن تنها انتراتیون دگرگونی و استقلال برای ایران خمینی‌زده، هدف مقدم آنهاست، هدفی که برای دشمنی به آن هم در

۶- زبان کردی در کنار زبان فارسی در منطقه خودمختار به رسمیت شناخته می‌شود؛

۷- به منظور رفع عقب‌ماندگی اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و در جهت تلاش برای زدودن آثار ستم ملی، بایستی پس از کسر مخارج دولت مرکزی و سرمایه‌گذاری‌های درازمدت سراسری، سهم سرانۀ ساکنان منطقه عقب‌افتاده کشور (از جمله کردستان) را در بودجه عمومی، بیشتر منظور نمود یا بودجه فوق‌العاده‌یی را به این منظور اختصاص داد؛

۸- کلیه آزادی‌های دموکراتیک، از قبیل آزادی مذهب و عقیده و بیان و مطبوعات، آزادی تشکیل احزاب و سازمان‌ها، اتحادیه‌های کارگری و دهقانی و انجمن‌های دموکراتیک بایستی در منطقه خودمختار تضمین شود. مردم کردستان در انتخاب شغل و محل اقامت کاملاً آزادند و هیچ‌گونه تبعیض جنسی (بین زن و مرد) و تبعیض مذهبی (میان پیروان مذاهب مختلف) وجود نخواهد داشت.

لازم به تذکر نیست که مواد فوق‌الذکر نقطه‌نظرهای مورد قبول سازمان مجاهدین خلق ایران است. حال آن‌که با وفاداری به طرز برخورد و اصول دموکراتیک، بدیهی‌ست از آن‌جا که پس از سرنگونی رژیم خمینی، تعیین شکل و محتوای نظام جمهوری آینده کشور برعهده مؤسسان منتخب مردم سراسر ایران، از جمله، مردم کردستان است، تعیین حدود قانونی و قطعی صلاحیت دولت مرکزی و صلاحیت ارگان‌های خودمختاری نیز برعهده مؤسسان می‌باشد. هم‌چنین، به نظر ما (مجاهدین)، محدوده جغرافیایی منطقه خودمختاری کردستان ایران نیز اساساً از طریق نظریه دموکراتیک از مردم محل تعیین می‌شود.

ضمناً توجه می‌دهم که سرخط‌هایی که فوقاً بیان شد، اصول کلی هستند که در مرحله اجرا مستلزم تشریح بیشتر و مصوبات مشخص است. اما، به هر حال،

پیام مسئول اول و فرمانده عالی سازمان مجاهدین خلق ایران برادر مجاهد مسعود رجوی بمناسبت آغاز نوزدهمین سالگرد تأسیس سازمان

بنظر ما (مجاهدین) محدودی جغرافیائی منطقهی خودبخار کردستان ایران نیز اسباب از طریق نظریه‌ی دگرگشتگ از مردم محل همین می‌شود. شما توجه می‌دهم که سرخ هائی که فوق بیان شد، اصول کلی هستند که در مرحله اجرا مستلزم تشریح بیشتر و صیغات مشخصی است. اما بهرحال، هدف برقراری ستم شافع و همسوز کردن با سوادالیم محلی ژرد با ملی‌گرائی ترقیخواهانهی عموم مردم ایران (منجمله هیوستان کردان) در راستای نائل اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی است که بغیر تاریخی اصحا' همی تعیضات جنسی، ملی، نژادی، طبقاتی را ایجاد می‌کند.

همچنان؛ دومین دهی شهبور هر سال برای مردم ما یادآور خاطرات بسیار ارزشمندی در سالهای دور با نزدیک است. که بزرگداشت‌های ویژه خود را می‌نویسند.

و با در تجدید و با در کج عزت گذراند. ۱۰ کته تا زنده بود مانع خلع سلاح مجاهدین شد و با برگ مویش نیز در سراسر شهرها و روستاهای کشور شور آورد. آری خصمی این مرتجع پهلوی چشم دیدن پدر روحانی مجاهدین را که در زندانی و نه در زندان گذاشت. پهلوی پدر خانلاری در مقابل هبخت خصمی، سسل روایتی ۸۲ و سزار ایران بود. درود و رحمت و مغفرت خدا بر او باد.

مهمبچنان؛ خلق مجاهد پرور ایران؛ هرگز گمان مدارید که این همه رنج و خون و این همه مبارزات افتخارآفرین شما و فرزندان شما بیپوده و بی نتیجه خواهد ماند. این پلیدترین گلمه‌ی دوران پستی شیطان ستم و سرکش جناران خصمی است که بیپودگی و بپوچی و مرگ و سکون و خاموشی و انقراض را تبلیغ می‌کند. از هر طریق و به هر میزان که می‌توانید علیه سرکوب و استعاضی، بر علیه جنگاوری و بر علیه بهیود داران خفاش و منابع ملی، به مقاومت و جهاد، برخیزید و به محاسبت همسواران، برادران و فرزندان مجاهد خود قیام کنید. خصمی رفتنی است. صبح آزادی ایران خواهد دید.

در شرایط مشخصه داخلی و بین المللی موجود، این سازمان و این شوهرگاه کانون به بالا ترین استعداد را با مسادگی نظامی و سیاسی و اجتماعی و تکنیکالی تی بر می‌آورد که با استقلال ملی و حاکمیت مردمی ایران (منشأ بدی تنها) اکثریاتی تیود مکرر (تیک) را در خود نهفته دارند. به سزاید همه‌ی آنها نیست که به تزیینی یکا ایران و قفا دگر تیک و مستقل را خوش نمی‌دارند. آنها نیستی که در قضا به همین دلیل، آگاهانه و در هر فرصتی برآوند تا با زیر ضرب گرفتن دگر تیک سیم با پیدار و ترقیخواهی مردمی مجاهدین و وارد کردن انواع ایرادات تا آنها را به شوری ملی قوی دست و راه به قدرت رسیدن اکثریاتی تیود سست نشاندن و هود دگر تیک را هموار کنند.

مجاهدین خلق ایران؛ مجاهدین و برادران عزیز؛ در میان شما هائی که پدای درمی‌گردند، نسل ما با موقعیت ممتاز و مسولیت شگفتی مشخص می‌شود که از بسیاری جهات بی‌طرف است. کوکیم خود را با خصمی همی امید و اعتماد مردمی که تمسین ما بی‌نیادگان کثیر است. ما هائی تا این استخوان به این دگر تیک زمین و آگاهی ترین ایده‌ی تاریخ بشر یعنی به رسد خیز شهری و زندگی چادمان خادگانه مبتنی در جمعی نائل انسانی است معتقد بودیم. در پی که چنین چشمانداز انقلابی و توسعه‌ی زندگی و پیوند زندگی انقلابی با همه‌ی افراد و تشبه‌هایش آرمایشی است که طی آن هگلت و گلت و پاک و نایک، با یکنه و میرسد، حق و باطل و دنگار و نایک‌نگار، یکدیگر در کشتاکش نور و غلقت ممتاز می‌شوند. . . .

بگویشیم با انجام وظایف انقلابی و ادای مسولیت‌های تاریخی خود در برابر خدا و خلق و در سیر ایرانی آزاد و مستقل، ایرانی متحد و ترقی و ایرانی سرتراز رحمت و طهارت بنیاد ستم خصمی را هر چه سریع‌تر از بین برانند آرمی و گلمه‌ی مجاهد خلق را به نتر هبختی و دستگاری اجتمالی. تاریخی و چادمانی خود هر چه نزدیکتر کنیم

فصل اول از سازمان مجاهدین خلق ایران
مسعود رجوی
۱۰/شهبور/۱۳۶۲

کردستان ایران ندارد.

۲ - مبرم‌ترین خواسته‌ی سیاسی مردم مقاوم کردستان بر مسیبت شاختن حق خودبخاری ایشان در چارچوب تمامیت ارضی ایران است. که طبق از جدیدترین ارتجایی خصمی برمی‌آید. و تنها در عنوان جانشین (اکثراتیو) دگرگشت - انقلابی یعنی شوهرگاه ملی مقاومت و دولت موقت جمهوری دگرگشتگ اسلامی ایران است.

۳ - مفهوم اساسی خودبخاری، واقع ستم ملی و استعمار شافع ملیتهای تحت ستم و تاین گلبی حقوق سیاسی و اجتماعی و فرهنگی آنها در چارچوب وحدت، حاکمیت و یکپارچگی کشور است.

۴ - به استثناء امور مربوط به روابط خارجی (اعم از سیاسی و اقتصادی و فرهنگی)، دفاع ملی، برنامیزی دربارت اقتصادی، نظام پولی و مالی و الزامات مربوط به هماهنگی و یکپارچگی کلی نظام قضائی کشور که در صلاحیت دولت مرکزی است؛ آداری، امور داخلی خودبخار اعم از امور اداری، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی؛ در صلاحیت گلبی ارتجایی و مقامات منتخب مردم کردستان است که با مراعات قانون اساسی نظام جمهوری جدید کشور عمل خواهند نمود.

۵ - بنیادگاران مردم مخفی خودبخار کردستان مطابق اصول قانون اساسی نظام جمهوری آینده کشور، مانند بنیادگاران همه‌ی بخشهای دیگر ایران در مجلس قانونگزاری کشور و آداری امور دولت مرکزی شرکت خواهند نمود.

۶ - زبان ژردی در کنار زبان فارسی در منطقهی خودبخار بر مسیبت شاخته می‌شود.

۷ - بنظر واقع بقسمت‌گذاری اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و در جهت نظای برای زودن اکثر ستم ملی، بایستی پس از کسر محارج دولت مرکزی و سرپایه‌گذاری برای مدت سراسری، سیم سرانه‌ی ساکنان مناطق عقب‌افتاده‌ی کشور (منجمله کردستان) را در بودجی عمومی بیشتر منظور نمود و با بودجی فوق‌العاده‌ی را به این منظور اختصاص داد.

۸ - گلبی آزادگی‌های دگرگشتگ که قیبل آزادی و مذهب و عقیده و بیان و مطوعات و آزادی تشکل و احزاب و سازمان‌ها، اتحادیه‌های کارگری و دهائی و انجمن‌های دگرگشتگ بایستی در منطقهی خودبخار تمسین شود. مردم کردستان در انتخاب ستم و محل اقامت گلبا آزادند و هیچگونه تعیض جنسی (بمن زن و مرد) و تبعیض مذهبی (میان ایران و مذاهب مختلف) وجود نخواهد داشت.

۹ - لازم به ذکر نیست که یواد فوق‌الذکر فقط نظریه‌های بود قبول سازمان مجاهدین خلق ایران است. حال آنکه با وفاداری به طرز برخورد و اصول دگرگشتگ، بدیهتست از آنجا که پس از سرنگونی رژیم خصمی، تمسین شکل و محتوای نظام جمهوری آینده کشور برعده‌ی یوسان منتخب مردم سراسر ایران منجمله مردم کردستان است. تعیین حدود قانونی و قلمی صلاحیت دولت مرکزی و صلاحیت ارگان‌های خودبخاری نیز برعهده‌ی یوسان می‌باشد. همچنین

مرگ بر خصمی، شعار محوری مرحله کنونی مبارزه انقلابی مسلحانه، تاکتیک محوری مرحله کنونی

هدف، رفع ستم مضاعف و همسوکردن ناسیونالیسم محلی کرد با ملی‌گرایی
ترقیخواهانهٔ عموم مردم ایران (از جمله هموطنان کردمان) در راستای تکامل
اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی است که به‌طور تاریخی امحای همهٔ تبعیضات
جنسی، ملی، نژادی، طبقاتی را ایجاب می‌کند».

فصل پنجم

طرح شورا



فصل پنجم - طرح شورا

سرانجام در ۱۷ آبان سال ۶۲ بحث‌ها و بررسی‌ها و تلاش‌های شورای ملی مقاومت به ثمر نشست و «طرح شورای ملی مقاومت برای خودمختاری کردستان ایران»، به اتفاق آراء، در شورا به تصویب رسید.

مصوبات و طرح‌ها

طرح شورای ملی مقاومت برای خودمختاری کردستان ایران

نظر به اینکه مردم ایران با انقلاب خود "آزادی و استقلال" را به عنوان دو اصل عمومی و تفکیک‌ناپذیر مطرح کرده‌اند،

نظر به اینکه شورای ملی مقاومت براندازی رژیم خمینی و برقراری نظام سیاسی مبتنی بر اراده و حاکمیت مردم را وجهی همت خود قرار داده است،

نظر به اینکه لازمی استقرار یک حکومت مبتنی بر اراده و حاکمیت مردم در ایران، تامین و تضمین هر چه بیشتر وسایل، امکانات و طرق دخالت و مشارکت همی مردم در اخذ و اجرای تصمیمات است،

نظر به اینکه دخالت و مشارکت مردم در اخذ و اجرای تصمیمات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی شرط لازم تحقق دموکراسی در یک کشور است؛

شورای ملی مقاومت به منظور تامین و تقویت هر چه بیشتر حاکمیت مردمی و تمامیت ارضی و یکپارچگی و وحدت ملی کشور و نظر به مبارزات عادلانه‌ی مردم کردستان برای تامین دموکراسی در ایران و خودمختاری در کردستان و به منظور رفع ستم مضاعف از ملیت ستمزده‌ی کرد، طرح

مصوبات و طرح‌ها

حاضر را برای نامین خودمختاری کردستان ایران اعلام می‌دارد. این طرح در چارچوب برنامه‌ی شورای ملی مقاومت و دولت موقت جمهوری دمکراتیک اسلامی ایران و وظایف مبرم دولت موقت قابل اجراست و مشخصا براساس ماده‌ی ۳ وظایف مبرم دولت موقت مبنی بر "پایان دادن به جنگ ضدخلقی علیه مردم کردستان با اعلان خودمختاری در چارچوب تمامیت ارضی ایران، کوشش برای محو آثار این جنگ" تنظیم و تصویب شده و رهنمون عمل آینده‌ی دولت موقت درباره‌ی خودمختاری کردستان خواهد بود. ترتیبات و نحوه‌ی اجرای طرح حاضر را دولت موقت جمهوری دمکراتیک اسلامی ایران مشخص خواهد نمود. دولت موقت موظف است برای تحقق این تلاش‌های لازم را مبذول دارد.

۱ - منطقه‌ی خودمختار، تمامی کردستان ایران را شامل می‌گردد. قلمرو جغرافیائی این منطقه از طریق مراجعه به آراء عمومی مردم منطقه‌ی کردنشین کشور تعیین می‌شود.

۲ - ارگان قانونگزاری در امور داخلی منطقه‌ی خودمختار، شورایعالی کردستان است که نمایندگان آن از طریق انتخابات آزاد با رای عمومی، مستقیم، مساوی و مخفی انتخاب می‌شوند. قوانین عمومی جمهوری در

مصوبات و طرح‌ها

منطقه‌ی خودمختار لازم‌الاجراست. مصوبات شورای عالی کردستان نباید ناقض قوانین عمومی جمهوری باشد.

۳ - اداره‌ی کلیه‌ی امور منطقه‌ی خودمختار کردستان بجز اموری که ذیلاً در صلاحیت دولت مرکزی شناخته می‌شود در صلاحیت ارگان‌های خودمختاری است. تعیین عالی‌ترین ارگان‌ها برای اداره‌ی این امور و نظارت بر فعالیت آنها به عهده‌ی شورای عالی کردستان است.

۴ - حفظ انتظامات داخلی منطقه‌ی خودمختار به‌عهده‌ی ارگان‌های خودمختاری است که نیروی متناسب برای این امر را با مراعات ماده‌ی ۲ طرح حاضر سازمان خواهند داد.

۵ - امور مربوط به سیاست خارجی و روابط خارجی، امنیت سراسری جمهوری و دفاع ملی (شامل حراست از مرزها، حفظ تمامیت ارضی و وحدت جمهوری) در صلاحیت دولت مرکزی است. ارتش در منطقه‌ی خودمختار کردستان نیز مانند دیگر نقاط ایران حق دخالت در امور انتظامی داخلی را ندارد.

۶ - امور مربوط به تجارت خارجی و گمرکات، تعیین نظام پولی و مالی کشور، انجام وظایف مربوط به بانک مرکزی، تنظیم بودجه‌ی عمومی و برنامه‌های اقتصادی که

_____ مصوبات و طرح‌ها
اهمیت سراسری دارند و یا مستلزم سرمایه‌گذاری‌های کلان هستند در صلاحیت دولت مرکزی است.

اداره‌ی سایر امور اقتصادی منطقه‌ی خودمختار در صلاحیت ارگان‌های خودمختاری است. بهره‌برداری از منابع طبیعی و ثروت‌های عمومی کشور که اهمیت سراسری دارند در صلاحیت دولت مرکزی است که به نفع همهی مردم ایران صورت می‌گیرد. در منطقه‌ی خودمختار کردستان ارگان‌های خودمختاری دولت مرکزی را در بهره‌برداری از این منابع و ثروت‌ها یاری خواهند نمود.

۷ - زبان کردی، زبان رسمی تدریس و مکاتبه‌ی داخلی در منطقه‌ی خودمختار است و در همهی مراحل تحصیلی حق آموزش به زبان کردی برای ساکنان منطقه برسمیت شناخته می‌شود.

زبان فارسی، در منطقه‌ی خودمختار نیز مانند دیگر مناطق ایران، زبان رسمی است و در مدارس همراه با زبان کردی آموزش داده می‌شود. مکاتبات ادارات منطقه‌ی خودمختار کردستان با مرکز و سایر مناطق ایران و نیز با ادارات وابسته به دولت مرکزی در منطقه‌ی خودمختار به زبان فارسی صورت می‌گیرد. کلیه‌ی ساکنان غیرکرد در کردستان خودمختار در اشاعه‌ی فرهنگ خود آزادند و حق آموزش به زبان خود را دارند.

مصوبات و طرح‌ها

۸ - کلیه حقوق و آزادی‌های مصرح در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و میثاق‌های بین‌المللی مربوط به آن، نظیر آزادی عقیده و بیان، آزادی مطبوعات، آزادی تشکیل و فعالیت احزاب و سازمان‌های سیاسی، اتحادیه‌ها و شوراهای کارگری، دهقانی و صنفی، انجمن‌های دمکراتیک، آزادی انتخاب شغل و محل اقامت و آزادی مذهب در کردستان خودمختار همانند دیگر نقاط ایران تضمین می‌شود. کلیه ساکنان کردستان اعم از زن و مرد همانند ساکنان سایر مناطق ایران بدون هر نوع تبعیض جنسی، قومی، نژادی و مذهبی از تساوی حقوق اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برخوردار خواهند بود.

۹ - نظام قضائی جمهوری واحد است و در منطقه‌ی خودمختار دادگاهها طبق قوانین جمهوری و همچنین قوانین مصوب شورایعالی کردستان، به دعاوی رسیدگی خواهند نمود.

نیروهای انتظامی کردستان خودمختار، همانند نیروهای انتظامی دیگر نقاط کشور، ضابط دادگستری بوده و ملزم به اجرای احکام و دستورها و قرارهای محاکم و مقامات قضائی می‌باشند.

۱۰ - ارگان‌های خودمختاری موظفند از مداخله در اموری که در صلاحیت ویژه‌ی دولت مرکزی شناخته شده

مصوبات و طرح‌ها

است خودداری نموده و دولت مرکزی را در اجرای وظایف خویش در منطقه یاری کنند. به همین نحو دولت مرکزی و ارگان‌های اجرائی آن از مداخله در اموری که در صلاحیت ویژه‌ی ارگان‌های خودمختاری شناخته شده‌اند ممنوعند و باید ارگان‌های خودمختاری را در انجام وظایف خود یاری رسانند.

۱۱ - دولت مرکزی در اجرای وظیفه‌ی خود مبنی بر تأمین سریع پیشرفت و توسعه‌ی کلیه‌ی مناطق عقب‌افتاده‌ی کشور، موظف است که از درآمدهای عمومی سهم بیشتری را به رفع عقب‌ماندگی منطقه‌ی خودمختار کردستان نیز تخصیص دهد.

۱۲ - مردم منطقه‌ی خودمختار کردستان مانند سایر هموطنان خود در سراسر ایران از طرق قانونی و بدون هیچگونه تبعیض در اداره‌ی امور کشور مشارکت خواهند نمود.

طرح حاضر در یک مقدمه و ۱۲ ماده در تاریخ ۱۷/آبان/۱۳۶۲ با توافق آراء در شورای ملی مقاومت به تصویب رسید.

مسئول شورای ملی مقاومت

مسعود رجوی

همزمان برای رفع هرگونه سوءتفاهم در مورد صلاحیت قانونگذاری شورای ملی مقاومت، یک ماده واحده هم در همان جلسه، رأی‌گیری به تصویب رسید و تصریح شد که قانونگذاری در نظام جمهوری آینده ایران پس از سرنگونی رژیم آخوندها در صلاحیت مجلس مؤسسان و قانونگذاری ملی است و هیچ‌یک از مصوبات شورای ملی مقاومت نباید بخشی از قانون اساسی نظام جمهوری آینده کشور تلقی شود. چرا که وضع قانون اساسی در جمهوری آینده کشور منحصر از طریق مجلس مؤسسان و قانونگذاری ملی منتخب مردم ایران با رأی عمومی، مستقیم، مساوی و مخفی عموم مردم است.

مصوبات و طرح‌ها

اطلاعیه مسئول شورای ملی مقاومت درباره ماده واحده مصوب شورا

هموطنان عزیز

در مورد مصوبات شورای ملی مقاومت و نحوه‌ی تلقی قانونی آن اعضاء شورای ملی مقاومت اینجانب را موظف به یادآوری و تاکید بر نکات زیر نمودند:

۱ - برحسب ماده ۲ اساسنامه‌ی شورای ملی مقاومت "این شورا تا تشکیل و اعلام آمادگی مجلس موسسان و قانونگزاری ملی، موقتا وظایف قانونگزاری و نظارت بر اداره‌ی امور کشور را برعهده دارد" و برحسب ماده‌ی الحاقی "ب" (ذیل ماده‌ی ۱ فصل اول برنامه): "مجلس موسسان و قانونگزاری ملی حداکثر تا ۶ ماه پس از سرنگونی رژیم خمینی و استقرار دولت موقت از طریق انتخابات آزاد، با رای عمومی، مستقیم، مساوی و مخفی تشکیل خواهد شد!"

۲ - همچنین شورای ملی مقاومت حق وضع قانون اساسی نظام جمهوری آینده‌ی کشور را برحسب بند اول ماده‌ی ۳ برنامه‌ی خود درعهده‌ی مجلس موسسان و قانونگزاری ملی شناخته است.

۳ - با اینهمه به منظور زدودن هرگونه شبهه‌ی

مصوبات و طرح‌ها
 پیرامون مصوبات شورای ملی مقاومت در همین جا ماده‌ی
 واحده‌ی مصوب شورا راجع به اعتبار کلیه‌ی مصوباتش در
 گذشته و حال و آینده را که باتفاق آراء به تصویب رسیده
 است به شرح زیر به استحضار می‌رسانم:
 "هیچیک از مصوبات شورای ملی مقاومت بخشی از
 قانون اساسی نظام جمهوری آینده‌ی کشور که توسط مجلس
 موسسان و قانونگزاری ملی تدوین خواهد شد، تلقی
 نمی‌شود."

مسئول شورای ملی مقاومت

مسعودرجوی

۱۳۶۲/آبان/۱۷

متعاقبا مسئول شورای ملی مقاومت ایران، طرح شورای ملی مقاومت برای خودمختاری کردستان ایران را طی پیامی، به شرح زیر، به مردم ایران به‌ویژه مردم کردستان تقدیم کرد. در بخشی از این پیام آمده است:

«هموطنان عزیز، مردم سراسر ایران، هموطنان مقاوم کرد، پیشمرگان دلیر؛ بدین‌وسیله طرح شورای ملی مقاومت برای خودمختاری کردستان ایران را به استحضار عموم می‌رسانم؛ طرح حاضر نتیجه مطالعات و بررسی‌های جامع و بحث‌ها و مشورت‌های فراوان و جلسات متعدد و متمادی شورا طی هفت ماه گذشته است.

به این ترتیب، شورای ملی مقاومت، به‌مثابه تنها جانشین دموکراتیک و قدرتمند برای رژیم سرکوبگر و خون‌آشام خمینی، بار دیگر، در مسیر آزادی و استقلال میهن و دفاع از تمامیت ارضی ایران و حاکمیت و وحدت ملی تمامی این مرز و بوم، راه‌حلی عادلانه، صلح‌آمیز و دموکراتیک برای یکی از مسائل بغرنج سیاسی و تاریخی کشورمان جستجو کرده است. منظور مسأله کردستان ایران و ملیت ستم‌زده کرد در میهن ماست که طی سالیان متمادی تحت‌ستم مضاعف رژیم‌های مختلف به‌سر برده و ناگزیر از مقاومت و مبارزه بوده است. شورای ملی مقاومت... برای نخستین بار در طول تاریخ ایران بر سر یکی از بغرنج‌ترین مسائل کشور، یعنی مسأله خودمختاری کردستان، به اتفاق آراء، در یک طرح مشخص به توافق رسیده است.

علیهذا، از جانب شورای ملی مقاومت، همراه و همصدا با همه شخصیتها و سازمانها، احزاب و گروههای عضو یا وابسته به آن، تصویب طرح حاضر را به‌مثابه یک موفقیت عظیم سیاسی در بنای ایرانی آزاد و عاری از قهر و انتقام و ستم، به عموم هموطنان در سراسر کشور و به‌ویژه در کردستان تبریک و تهنیت گفته و با ایمان به سقوط محتوم و اجتناب‌ناپذیر رژیم در مانده و جنگ افروز خمینی، صلح و صفای پایدار داخلی و خارجی را در تمامی این میهن مجروح و خونین آرزو می‌کنم. مسعود رجوی، ۱۷ آبان ۱۳۶۲»

در همان زمان، دبیرکل حزب دموکرات کردستان ایران، دکتر عبدالرحمن قاسملو، در ۲۴ آذر ۱۳۶۲ در مصاحبه با «رادیو صدای کردستان» تصویب طرح خودمختاری را یک

موفقیت بزرگ و تاریخی توصیف کرد.

سرخط این اظهارات، که در نشریه «مجاهد»، شماره ۱۸۶، ۲۲ دی ماه ۱۳۶۲ منتشر شده، به شرح ذیل است:

«من تصویب این طرح را موفقیت بزرگ و موفقیت تاریخی می‌دانم چرا که برای نخستین بار سازمانهای مترقی بسیاری چون سازمان مجاهدین خلق ایران و شخصیت‌های سرشناس زیادی به این نتیجه، امید دارند که تصویب طرح خودمختاری کردستان، برخلاف نظر دشمنان آزادی ایران، نه تنها باعث تجزیه ایران نخواهد شد بلکه کمک خواهد کرد وحدت ایران مستحکم‌تر گردد؛

– باید روی این مسأله تأکید کنم که: سازمان مجاهدین خلق در جریان بحث و مذاکره در مورد این طرح، به حق، نقش چشمگیری داشت و زحمت زیادی متحمل شد تا این طرح که به این ترتیب به تصویب رسیده است، پذیرفته شود؛

– من با مسئولیت تمام می‌توانم بگویم که طرحی که اکنون به تصویب رسیده است، از طرح شش‌ماده‌یی حزب ما بیشتر است؛

– می‌توانم با مسئولیت این مسأله را خاطر نشان کنم که طرح خودمختاری کشورهای بسیار را مطالعه کرده‌ام – از هندوستان گرفته تا اسپانیا – و می‌توانم این را در میان کلیه طرح‌های خودمختاری کشورهای دیگر، به عنوان یکی از بهترین طرح‌ها، معرفی کنم. این مسأله را نیز نباید از نظر دور داشت که این طرح، طرح خودمختاری حزب دموکرات کردستان ایران نیست...

اگر بیش از این از یک طرح خودمختاری انتظار داشته باشیم، مسأله دیگر از چارچوب خودمختاری خارج خواهد شد.»

به‌وضوح روشن است که «طرح خودمختاری کردستان ایران» یک طرح خلق‌الساعه نبود و حاصل یک جنگ سیاسی نفس‌گیر بود که مراحل آن، گام‌به‌گام، و با صرف بهایی سنگین توسط سازمان مجاهدین خلق ایران، عمدتاً در داخل کشور و در زیر حاکمیت خمینی و به‌رغم جو هیستریکی که خمینی خون‌آشام ایجاد کرده بود، طی شد، تا سر انجام این تلاشها در آبان ۱۳۶۲ در طرح شورای ملی مقاومت برای خودمختاری کردستان ایران به‌بار نشست و به تصویب رسید.

مصاحبه
برادر مجاهد مسعود رجوی
باماهنامه‌نهدنی "پراب"
در مصحفی ۶
روزهای سیاه ایران
(مقاله‌ای از اولین شماره‌ها تا کلیسیای زان
مجله "آفریقا-آسیا")
در مصحفی ۲۲



نشانک انجمن ملی مقاومت ایران
نشریه مجاهدین خلق ایران
نار بنام - پخشنده ۲۲ شماره ۱۳۲۲ - شماره ۱۰۰۰ ریل (عراج از کشور خلیج تک نظر)

شماره ۱۸۶
مجاهدین شهید هم‌افزای
محمد اشرف پورستون بیکم‌های بیگی
پس از ماه‌ها سارت
وتحمل شکنجه‌های فراوان
بدست دژ خیمان خمینی جلد
در زندان تیرباران شدند
در مصحفی ۱۷

اطلاعیه دفتر مجاهدین خلق در پاریس

اعتصاب کارگران د خانیات
وسرکوب آن در تهران

بنا به گزارش رسیده از ایران در ۱۱ آذرماه جاری، کارگران کرمانه طی اعتصاب تیران هده از مدتی اعتراض به افزایش ساعات کار و کاهش دستمزدهایشان، سرانجام دست به اعتصاب زده و با حضور در محوطه کرمانه و تجمع در حیاط آن از انجام کار خودداری کردند.
در مدت اعتصاب، کارگران با سامانه از خنثی شدن سامانه حسینی کرمانه و یکی از اعضای انجمن بااستطلاح اسمعی کرمانه (استیانتی از مؤلف سرکوب رژیم) باعث از خنثی نمودن اعتصاب گردیدند.
این اعتصاب که از ساعت ۱۱ صبح شروع و تا شب ادامه یافته بود، سرانجام مورد هجوم تعداد زیادی از پاسداران و افراد سپاه خمینی قرار گرفت. در نتیجه این هجوم حدود ۲۵ نفر از کارگران دستگیر و به زندان اوین منتقل شدند.
در حال حاضر کارگران با اعتراض و تظاهرات همچنان در مقابل تحصیلات عوامل رژیم مقاومت می‌کنند.
دفتر مجاهدین خلق - پاریس
۱۹ آذرماه ۶۲

بنامست سالروز بازگشایی دانشگاهها
و مدارس عالی کشور در دیماه ۵۷
"گزینش"، غامض ترین مسئله
رژیم خمینی در دانشگاهها

دانشجویان قهرمان و بویژه اهداران مجاهدین که توانسته اند تیران پشکان و صبر و حوصله‌های انقلابی و علی‌الخصوص سکا رگسری تاکیک‌های گوناگون، از سد های گریزی رژیم عبور کنند، باید بار مایه‌های مسائل امنیتی و محلی نگاه داشتن هویت سیاسی خود، به فعالیت‌های انقلابی و سازمانی خود افزود و آن را ارتقا دهند. هم‌اینگ شمار صلح و آزادی مجتهدین شاعر فعالیت‌های تبلیغی - اجتماعی حسمه‌های مقا و مت می‌با شد و باید در سطح و سطحی به بیان افکار مختلف مردم برده شود. در مصحفی ۳

شورای ملی مقاومت
درگذشت آیت الله حاج آقا زنجانی
راتسلیت می‌گوید

بسم الله الرحمن الرحيم
مصحفی گذشته آیت الله حاج آقا رضا زنجانی بانی نهضت مقاومت ملی ایران - که به دنبال کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سقوط دولت ملی پهلوی قلمی دست ملی مردم ایران دفتر محمد مصدق، بر علیه دیکتاتوری شاه تشکیل شده بود - در تیران درگذشت.
مجلسا در پنج و نهم شهری از سرگرمی و اشتیاق رژیم خمینی، شاوران آیت الله حاج آقا رضا زنجانی، از بیماری جسمی نیز بدست رنج می‌برد. به همین مناسبت در این اواخر به منظور آماده‌سازی مقاله چند ماهی از خارج از کشور در مصحفی ۴

زندان
و
زندانی

سلسله خاطرات،
گزارشات و نوشته‌هایی از
زندانیان ها و شکنجه‌ها
رژیم ضد بشری خمینی
گوازی اول قسمت (یازدهم)
بازجویی
در مصحفی ۸

خمینی دجال:
"اگر یک قدم عقب بنشینیم،
شکست می‌خوریم"

اعتراف و هشدار خمینی
در مورد عواقب وحشتناک و ساقط‌کننده
هرگونه تخفیف
در امر اختناق و سرکوب رژیم!!
در مصحفی ۴

موضوع گیری
دیپلک حزب دمکرات کردستان ایران
در رابطه با طرح خودمختاری
شورای ملی مقاومت

من تصور این طرح را بوفت بزرگ و بوقیت تاریخی می‌دانم چرا که برای نخستین بار سازمان‌های مغربی بسیاری چون سازمان مجاهدین خلق ایران و شخصیت‌های سرشناس زیادی به این نتیجه امید دارند که مصوب طرح خودمختاری کردستان بر خلاف نظر دشمنان آزادی ایران به نفع باشد جزیره ایران نخواهند بلکه کمک خواهد کرد وحدت ایران مستحکم تر گردد.
باید روی این مسئله تاکید کنیم که سازمان مجاهدین خلق در جریان بحث و مذاکره در مورد این طرح به حق نقش شگرفی داشتند و وضع زیادی حمل شد تا این طرح که به این ترتیب به تصویب رسیده است، بدینگونه بود.
من با مسئولیت تمام می‌نویسم که طرحی که اکنون به تصویب رسیده است از طرح شاه‌ماده‌ای حزب ما پیشتر است. من می‌نویسم با مسئولیت این مقاله را حاضر بخوانم که طرح خودمختاری کنونی‌های بسیاری با مقاله کردهام - از هندوستان گرفته تا استانبول و جنوابع دیگر می‌آید اما در میان کلیه طرح‌های خودمختاری کنونی دیگر می‌نویسم یکی از بهترین طرح‌ها معرفی کنم. این مقاله از من نباید از نظر دو دو داشت که این طرح، طرح خودمختاری حزب دمکرات کردستان ایران است و ...
اگر کسی از این یک طرح خودمختاری انتظار داشته باشد، مسئله دیگر از چارچوب خودمختاری خارج خواهد شد.
در مصحفی ۵

صرفات ویژه خارج از کشور

طرح خودمختاری شورای ملی مقاومت
و سوز و گداز ضد انقلاب مغلوب (خارج نشین)
اعتراف به خیانت و دعوی "خلاق" و "نقوا"
و خدمت به "بردم" و "زحمت‌کش"
همراه با تقاضای تکراری مسعود رجوی
به حرم دروغ‌گویی و جعل کتابچه!
تکلیب نامه‌محسن لایه
۲۷ دانشجو مبارز ایرانی در ۶ به ۶ سال
زندانیان محکوم شدند
(در مصحفی ۱۳ تا ۱۶)

درصفاات دیگر

به یاد پاریس لوسوما، قهرمان
فراموشی ناپذیر قاره آفریقا
شکست رژیم خمینی در کنفرانس داکا
و تحریم اجلاس سران سازمان کنفرانس
اسلامی
در گذشت پروفیسور "آلفرد کاستنر"
دانشمند و شاعر مشهور
در مصحفی ۱۲
۲۶ دیماه، روز فرار شاه خائن و روز دفن
ابدی سلطنت مارتیان
در مصحفی ۲



موضوع گیری دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران در رابطه با طرح خودمختاری شورای ملی مقاومت

شاهد:

در تاریخ ۲۳/آذر ماه سال جاری، رادیو "صدای کردستان" مباحثی با دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران انجام داد. در این مباحثه درباره مسائل مختلف، منجمله طرح خودمختاری شورای ملی مقاومت گفتگو شد. آن گفتگو از مناسبتی که مربوط به طرح خودمختاری شورای ملی مقاومت می باشد، عیناً بزرگوارندگان عزیز "جناح" نقل می شود. توجه می‌دهیم که گفتگو در این روزی آغاز شده و در یکی دو مورد جزئی گفتمانی نیز آن تا میوهی بوده که در داخل متن پیاده شده است. همچنین شایان یادآوری است چنانچه از مطالب آقای قاسم پیرامون حدود جغرافیایی

است و حتی بیشتر از این گفته شده ارتش به هیچ نحوی حق دخالت در امور داخلی کردستان را ندارد و این امر به خود ارگان‌های خودمختار محول شده است و این یکی از پایه‌های خودمختاری است. به منسوب رسیده است، ساله‌ای زمان کردی است. زبان کردی... (جا افتاده) منطقی اساسی مردم کردستان است. عده‌ای با این طرح مخالفت می‌کنند، البته روی سخن من با افرادی نیست که در صف دشمنان مردم کردستان، بلکه مخاطبین من آنهایی هستند که در کردستان ایران هستند و حتی در صف دشمنان مردم کردستان قرار دارند. من متقدمم اگر ایمان طرح را واقع بنانه برسی کنید، تعصب به خرج ندهید، صادقانه و مخلصانه و دور از غرض روزی ساله را برسی کنید، تعصب به خرج ندهید، بی طرفی داشته باشید. خواهی بود که طرح خودمختاری جزئی غیر از این نیست. طرحی که اکثریت صابندگان طغی‌های ایران آن را مورد تصویب قرار می‌دهند، طرحی که واقعا در چارچوب یک کشور خواستگاری نمی‌تواند پیش از این باشد. اگر پیش از این یک طرح خودمختاری از چارچوب خودمختاری خارج خواهد شد و ما به عنوان حزب دمکرات کردستان ایران که از ابتدا اعلام کرده‌ایم که ما در چارچوب آزادی دمکراتیک نامین می‌گردیم، معتقدیم که با تحقق این طرح، ساله حل خواهد شد و مردم کردستان احساس خواهند کرد سزوت خود را بدون تعصب می‌کنند. آنهایی که سببهی علیه این طرح تبلیغ می‌کنند... (جا افتاده)

شکاک‌دین و کاسم سلیمان که می‌دانند در طول اقامت شما در ایران طرح خودمختاری کردستان در شورای ملی مقاومت به تصویب رسیده و حتی استقرات خودتان را در مورد این طرح می‌شوندگان عزیز رادیو "صدای کردستان" (ج) همواره می‌شوندگان عزیز می‌دانند. شورای ملی مقاومت (آ) از پیش تشکیل خودمختاری را بعنوان یک اصل مقدس پذیرفته بود. طی دو سال گذشته حزب دمکرات کردستان ایران با واقعیتی برخورد کرده بود که محتوای خودمختاری در مسائل داخلی عراق اختلاف نظر وجود دارد و اعضا و شخصیت‌ها و سازمان‌ها داخل کشور، هر یک نظر و رویه‌ای دارند و خودمختاری باید در آن را به نیکو تعبیر می‌کنند. آن را به دور دیگران پوشش نکرده‌ایم زیرا به خودمختاری حزب دمکرات می‌باید بود که شورای ملی مقاومت تشکیل خلق کرد در کردستان ایران باری برساند و اگر از نظر نظامی قادر نیست که آنجا حق لازم از نظر سیاسی از سازمانی مدخلی خلق کرد در کردستان ایران که همبستگی بیلا گنیم برپسندد سازمانی برای آزادی سران ایران است، پشتیبانی نماید. پس از چند ماه مذاکره و بحث و جلسات بی‌دری، طرح خودمختاری که از سوی حزب ما پیشنهاد شده بود و مطالعه طرح‌های بسیار دیگری که از سوی شخصیت‌ها و سازمان‌های دیگر عضو شورا پیشنهاد گردیده بود، خودمختاری شورای ملی مقاومت طرح را تصویب نمود که می‌توانیم بگوییم در این چندان تفاوتی با طرح پیشنهادی حزب دمکرات کردستان ایران ندارد. من تصویب این طرح را بویافتت بزرگ بویافتت تاریخی می‌دانم. چرا که برای نخستین بار سازمان‌های

طرح شورای ملی مقاومت برای خودمختاری کردستان ایران

نظر به این که مردم ایران با انقلاب خود «آزادی و استقلال» را به عنوان دو اصل عمومی و تفکیک ناپذیر مطرح کرده اند؛

نظر به این که شورای ملی مقاومت براندازی رژیم خمینی و برقراری نظام سیاسی مبتنی بر اراده و حاکمیت مردم را وجهه همت خود قرار داده است؛

نظر به این که لازمه استقرار یک حکومت مبتنی بر اراده و حاکمیت مردم در ایران، تأمین و تضمین هر چه بیشتر وسایل، امکانات و طرق دخالت و مشارکت همه مردم در اخذ و اجرای تصمیمات است؛

نظر به این که دخالت و مشارکت مردم در اخذ و اجرای تصمیمات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی شرط لازم تحقق دموکراسی در یک کشور است.

شورای ملی مقاومت به منظور تأمین و تقویت هر چه بیشتر حاکمیت مردمی و تمامیت ارضی و یکپارچگی و وحدت ملی کشور و نظر به مبارزات عادلانه مردم کردستان برای تأمین دموکراسی در ایران و خودمختاری در کردستان و به منظور رفع ستم مضاعف از ملیت ستمزده کرد، طرح حاضر را برای تأمین خودمختاری کردستان ایران اعلام می دارد. این طرح در چارچوب برنامه شورای ملی مقاومت و دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی ایران و وظایف مبرم دولت موقت قابل اجراست و مشخصاً براساس

ماده ۳ وظایف مبرم دولت موقت مبنی بر «پایان دادن به جنگ ضدخلفی علیه مردم کردستان با اعلان خودمختاری در چارچوب تمامیت ارضی ایران، کوشش برای محو آثار این جنگ» تنظیم و تصویب شده و رهنمون عمل آینده دولت موقت درباره خودمختاری کردستان خواهد بود.

ترتیبات و نحوه اجرای طرح حاضر را دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی ایران مشخص خواهد نمود. دولت موقت موظف است برای تحقق این طرح تلاشهای لازم را مبذول دارد.

۱- منطقه خودمختار، تمامی کردستان ایران را شامل می‌گردد. قلمرو جغرافیایی این منطقه از طریق مراجعه به آرای عمومی مردم منطقه کردنشین کشور تعیین می‌شود؛

۲- ارگان قانونگذاری در امور داخلی منطقه خودمختار، شورای عالی کردستان است که نمایندگان آن از طریق انتخابات آزاد با رأی عمومی، مستقیم، مساوی و مخفی انتخاب می‌شوند. قوانین عمومی جمهوری در منطقه خودمختار لازم‌الاجراست. مصوبات شورای عالی کردستان نباید ناقض قوانین عمومی جمهوری باشد؛

۳- اداره کلیه امور منطقه خودمختار کردستان، به جز اموری که ذیلاً در صلاحیت دولت مرکزی شناخته می‌شود، در صلاحیت ارگانهای خودمختاری است. تعیین عالی‌ترین ارگانها برای اداره امور و نظارت بر فعالیت آنها به‌عهده شورای عالی کردستان است؛

۴- حفظ انتظامات داخلی منطقه خودمختار به‌عهده ارگانهای خودمختاری است که نیروی متناسب برای این امر را با مراعات ماده ۲ طرح حاضر سازمان خواهند داد؛

۵- امور مربوط به سیاست خارجی و روابط خارجی، امنیت سراسری جمهوری و دفاع ملی (شامل حراست از مرزها، حفظ تمامیت ارضی و وحدت جمهوری) در صلاحیت دولت مرکزی است. ارتش در منطقه خودمختار کردستان نیز مانند دیگر نقاط ایران حق دخالت در امور انتظامی داخلی را ندارد؛

۶- امور مربوط به تجارت خارجی و گمرکات، تعیین نظام پولی و مالی کشور، انجام وظایف مربوط به بانک مرکزی، تنظیم بودجه عمومی و برنامه‌های اقتصادی، که اهمیت سراسری دارند یا مستلزم سرمایه‌گذاریهای کلان هستند، در صلاحیت دولت مرکزی است.

اداره سایر امور اقتصادی منطقه خودمختار در صلاحیت ارگانهای خودمختاری است. بهره‌برداری از منابع طبیعی و ثروت‌های عمومی کشور که اهمیت سراسری دارند، در صلاحیت دولت مرکزی است که به نفع همه مردم ایران صورت می‌گیرد. در منطقه خودمختار کردستان ارگانهای خودمختاری دولت مرکزی را در بهره‌برداری از این منابع و ثروتها یاری خواهند نمود؛

۷- زبان کردی، زبان رسمی تدریس و مکاتبه داخلی در منطقه خودمختار است و در همه مراحل تحصیلی حق آموزش به زبان کردی برای ساکنان منطقه به رسمیت شناخته می‌شود.

زبان فارسی، در منطقه خودمختار نیز مانند دیگر مناطق ایران، زبان رسمی است و در مدارس، همراه با زبان کردی، آموزش داده می‌شود. مکاتبات ادارات منطقه خودمختار کردستان با مرکز و سایر نقاط ایران و نیز با ادارات وابسته به دولت مرکزی در منطقه خودمختار به زبان فارسی صورت می‌گیرد. کلیه ساکنان غیرکرد در کردستان خودمختار در اشاعه فرهنگ خود آزادند و حق آموزش به زبان خود را دارند؛

۸- کلیه حقوق و آزادیهای مصرح در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقهای بین‌المللی مربوط به آن، نظیر آزادی عقیده و بیان، آزادی مطبوعات، آزادی تشکیل و فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی، اتحادیه‌ها و شوراهای کارگری، دهقانی و صنفی، انجمنهای دموکراتیک، آزادی انتخاب شغل و محل اقامت و آزادی مذهب در کردستان خودمختار، همانند دیگر نقاط ایران، تضمین می‌شود. کلیه ساکنان کردستان، اعم از زن و مرد، همانند ساکنان سایر مناطق ایران بدون هر نوع تبعیض جنسی، قومی، نژادی و مذهبی از تساوی حقوق اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برخوردار خواهند بود؛

۹- نظام قضایی جمهوری واحد است و در منطقه خودمختار، دادگاهها طبق قوانین جمهوری و هم‌چنین قوانین مصوب شورای عالی کردستان، به دعاوی رسیدگی خواهد نمود.

نیروهای انتظامی کردستان خودمختار، همانند نیروهای انتظامی دیگر نقاط کشور، ضابط دادگستری بوده و ملزم به اجرای احکام و دستورها و قرارهای محاکم و مقامات قضایی می‌باشند؛

۱۰- ارگانهای خودمختاری موظفند از مداخله در اموری که در صلاحیت ویژه دولت مرکزی شناخته شده است، خودداری نموده و دولت مرکزی را در اجرای وظایف خویش در منطقه یاری کنند. به همین نحو، دولت مرکزی و ارگانهای اجرایی آن از مداخله در اموری که در صلاحیت ویژه ارگانهای خودمختاری شناخته شده‌اند، ممنوعند و باید ارگانهای خودمختاری را در انجام وظایف خود یاری رسانند؛

۱۱- دولت مرکزی در اجرای وظیفه خود مبنی بر تأمین سریع پیشرفت و توسعه کلیه مناطق عقب‌افتاده کشور، موظف است که از درآمدهای عمومی سهم بیشتری را به رفع عقب‌ماندگی منطقه خودمختار کردستان نیز تخصیص دهد؛

۱۲- مردم منطقه خودمختار کردستان، مانند سایر هموطنان خود در سراسر ایران، از طرق قانونی و بدون هیچ‌گونه تبعیض در اداره امور کشور مشارکت خواهند نمود.

طرح حاضر در یک مقدمه و ۱۲ ماده در تاریخ ۱۷ آبان ۱۳۶۲، به اتفاق آرا، در شورای ملی مقاومت به تصویب رسید.

مسئول شورای ملی مقاومت

مسعود رجوی



۲۲ آبان (۷ صفر)
سالروز میلاد امام موسی کاظم (ع)
راه پیروان راستین آن حضرت
تبریک می گوئیم

شماره ۱۷۷
یاد پیشروان
شهید مجاهد خلق
حماسه آفرینان مقاومت
گرامی باد
درصحنه ۱۰

طرح شورای ملی مقاومت برای خودمختاری کردستان ایران

متن طرح

نظریه اینک مردم ایران با انقلاب خود آزادی و استقلال را بعنوان دو اصل عمومی و تفکیک ناپذیر مطرح کرده اند.

نظریه اینک شورای ملی مقاومت براندازی رژیم خمینی و برقراری نظام سیاسی مبتنی بر آزادی و حاکمیت مردم را وسیله همت خود قرار داده است.

نظریه اینک لازمه استقرار یک حکومت مبتنی بر آزادی و حاکمیت مردم در ایران، تأمین و تضمین هر چه بیشتر وسایل، امکانات و فرصت ها و مشارکت همه مردم در اخذ و اجرای تصمیمات است.

نظریه اینک دخالت و مشارکت مردم در اخذ و اجرای تصمیمات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی شرط لازم تحقق دگرگونی در یک کشور است.

شورای ملی مقاومت بمنظور تأمین و تقویت هر چه بیشتر حاکمیت مردمی و تأمینت ارشی و یکپارچگی و وحدت ملی کشور و نظریه مشارکت عادلانه مردم کردستان برای تأمین دگرگونی در ایران و خودمختاری در کردستان و منظور رعیت خلفه از امانت ختم شده کردستان ایران اعلام می دارد.

این طرح در چارچوب برنامه شورای ملی مقاومت و دولت موقت جمهوری دگرگونی اسلامی ایران و وظایف مردم دولت موقت انقلاب است و مشخص بر اساس ماده ۳ وظایف مردم دولت موقت است بر "ایران دادن به جنگ ضد خلقی علیه مردم کردستان" با افکار خودمختاری در چارچوب تأمینت ارشی ایران، گوشه ای از محو آثار این جنگ، تنظیم و تصویب شده و رهنمون عمل آینده دولت موقت در راهی خودمختاری کردستان خواهد بود. ترتیبات و

نحوه اجرای طرح حاضر را دولت موقت جمهوری دگرگونی اسلامی ایران مشخص خواهد نمود. دولت موقت موظف است برای تحقق این طرح تلاشهای لازم را بذل نماید.

(۱) - منطقی خودمختاری، سیاسی کردستان ایران را شامل می گردد. تقصیر جغرافیایی این منطقه از شرایط مزاحمه به آراء عمومی مردم منتفی گردن خشن گشتن نمی شود.

(۲) - ارگان قانونگذاری در امور داخلی منطقی خودمختاری، شورای عالی کردستان است که نمایندگان آن از طریق انتخابات آزاد با رای عمومی، مستقیم، مساوی و مخفی انتخاب می شوند.

قوانین عمومی شورای در منطقه خودمختاری لازم الاجراست. سعادت شورای عالی کردستان نباید ناقص قوانین عمومی جمهوری باشد.

(۳) - ادارات کشوری امور منطقه خودمختاری کردستان بجز اموری که دیگر در صلاحیت دولت مرکزی شاخته می شود در صلاحیت ارگان های خودمختاری است.

تعمین عالی ترین ارگان ها برای ادارات این امور و نظارت بر فعالیت آنها بعهده شورای عالی کردستان است.

(۴) - هدف بنیادین داخلی منطقه خودمختاری بر مبنای ارگان های خودمختاری است که نیروی مشخصه برای این امر با مراعات ماده ۲ طرح حاضر سازمان خواهد داد.

(۵) - امور مربوط به سیاست خارجی و روابط خارجی و امنیت سراسری جمهوری و دفاع ملی (شامل حراست از مرزها، حفظ تأمینت ارشی و وحدت جمهوری) در صلاحیت دولت مرکزی است. ارتش در منطقه خودمختاری کردستان نیز بقرار درصحنه ۲

پیام مسئول شورای ملی مقاومت برادر مجاهد مسعود رجوی

سلام خدا
سلام ایران و سلام آزادی
موشان عزیز، مردم سراسر ایران، موشان مقاوم گرد، پیشروان دایر،

ببینید چگونه طرح شورای ملی مقاومت برای خودمختاری کردستان ایران را مستحضران عموم می رسد نام.

طرح ها هر نتیجه ای بخواهد حاصل شود و بر سر می های جامع و بحث ها و مشورت های فراوان و جلسات متعدد دوستانه دی شورا ملی مقاومت مانده است. این طرح چارچوب جمهوری صریح و صریح و احزاب سازمان ها، گروه ها و شخصیت های عموشورای ملی مقاومت به اتفاق آراء تصویب گردانند.

به این ترتیب شورای ملی مقاومت به شایسته ترین جانشین دگرگونی و قدرتمند برای رژیم سرکوبگر و خونخام خمینی بار دیگر در مسیر آزادی و استقلال چین و دفع از تأمینت ارشی ایران و حاکمیت و وحدت ملی تمامی این مرد و بوم، راهبلی عادلانه، حلیا نیز در دگرگونی برای یکی از مسائل فرخنده سیاسی و تاریخی کشورمان شهنورد است. منظور مسئله کردستان ایران و سیاست سردرپی گرد در میان است که ملی سالاران کندهای تحت شتم خلفه رژیم های مختلف بر سر برده و ناگزیر از بقدر درصحنه ۲

اطلاعه مسئول شورای ملی مقاومت درصحنه ۲۷

صفحات شورا

نوشتنه های از:

- نشریه ۷۷ حزب کارگران ایران - توفان:
- چرا شوری ملی مقاومت؟ (مجتبی پیرا) بون برخوردار کمونیست های متحد بین پرولتاریا)
- دکتر علی معصومی: آیا تریا با شی هست؟
- دکتر ن - اسماعیلی: گیار نوری مترا فات
- م - ح - عباسی: همان که مسعود گفت:
- "دعوی بر ای د و اسلا با است"
- نامه پیژنگان ایران نی هو دار شورا ملی مقاومت در آبرنگاو کا تا د به مسئول شورا
- نامه ای از شا بوزکامانی: شورای ملی مقاومت در مسیر تکامل

در صفحات ۱۱ تا ۱۸

در صفحات دیگر

- رژیم خمینی و مسئله ارشی (۳) درصحنه ۸
- گوشه ای از تلفات سنگین رژیم در جنگ افروزیهای اخیر درصحنه ۲۴
- یاد شهید دکتر حسین فاضلی جبهه تابانک نهضت ملی ایران گرامی باد درصحنه ۲۲
- شعری از پرولت پرست درصحنه ۲۲

زندان و زندانی

سلسله خاطرات، گزارشات و نوشته های از زندان ها و شکنجه گاه های رژیم ضد بشری خمینی گزارش اول:

نقل از برادر مجاهد حسین داد خواه (۲) درصحنه ۵

طرح شورای ملی مقاومت برای خود مختاری کردستان ایران

متن طرح

بنیاد رصفحه اول
مانند دیگر نقاط ایران حق دخالت در امور استقامی داخلی را ندارد.
۶- مردم مریوز به تجارت خارجی هفکات، زمین نظام پولی و مالی کشور، احجام و تلفات مربوط به بانک مرکزی، تعلیم بودجه عمومی و برنامه های اقتصادی که اهمیت سراسری دارند و سیستم سرمایه گذاری های کلان هستند در صلاحیت دولت مرکزی است.

ارگان های خود مختاری است.
سرمواری از صلاحیت عمومی کشور که اهمیت سراسری دارند در صلاحیت دولت مرکزی است که به صلاحیت مردم ایران صورت می گیرد. در منطقه خود مختار کردستان ارگان های خود مختاری و دولت مرکزی را در سرمواری از این صلاحیت و امور جاری خود ندارد.

۷- زبان کردی، زبان سواد نسبی و مکاتبه داخلی در منطقه خود مختار است و در همه مراحل تحصیلی، حق آموزش به زبان برای ساکنان منطقه بر حسب شایسته می شود. زبان فارسی، در زمینه خود مختاری باید مانند دیگر مناطق ایران، زبان رسمی است و در مدارس همراه با زبان کردی آموزش می شود. مکاتبات ادارات منطقه خود مختار کردستان با مرکز و سایر مناطق ایران و نیز با ادارات وابسته به دولت مرکزی در منطقه خود مختار، بر زبان فارسی صورت می گیرد. کلیه مکاتبات غیر کرد در کردستان خود مختار در اشاعه فرهنگ خود آزادی و حق آموزش به زبان خود را در سطح درسی و عالی می چسبند و کلیه حقوق و امتیازات بین المللی مربوط به آن، نظیر آزادی عقیده و بیان، آزادی مطبوعات، آزادی تشکیل و فعالیت احزاب و سازمان های سیاسی، اتحادیه ها و تشکلات کاری، دهقانی و صنفی، انجمن های دگرگتیک، آزادی انتخاب شغل و محل اقامت و آزادی مذهب در کردستان خود مختار همانند دیگر نقاط ایران تضمین می شود. کلیه ساکنان کردستان اعم از زن و مرد همانند ساکنان سایر مناطق ایران بدون فرخ تبعیض جنسی، قومی، نژادی و مذهبی از شای حقوق اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برخوردار خواهند بود.

۹- نظام قضائی جمهوری واحد است و در منطقه خود مختار، دادگاهها طبق قوانین جمهوری و همچنین قوانین مصوب شورای عالی کردستان، به دعاری رسیدگی خواهند نمود. تشویرهای انتظامی کردستان خود مختار، همانند نیروهای انتظامی دیگر نقاط شایسته ادا و تقاضای بود و لازم به اجرای احکام و دستورها و فرامین حاکم و مقامات قضائی می باشد.

۱۰- ارگان های خود مختاری وقتند از مداخله در اموری که در صلاحیت و زیربوی دولت مرکزی شایسته شده است خودداری ننموده و دولت مرکزی را در اجرای وظایف خویش در منطقه پاری کنند. به همین نحو دولت مرکزی و ارگان های اجرائی آن از مداخله در اموری که در صلاحیت و زیربوی ارگان های خود مختاری را در شایسته شده اند ممنوع و باید ارگان های خود مختاری را در انجام وظایف خود یاری رسانند.

۱۱- دولت مرکزی در اجرای وظایف عمومی خود بر تأمین سریع و پرفرنت و توسعه کلیه مناطق عقب ماندگی کشور، موظف است که از مرزهای عمومی هیچ پیشتری را به رفح عقب ماندگی نداشته باشد.

۱۲- مردم منطقه خود مختار کردستان، همانند سایر مناطق خود در سراسر ایران از حقوق قانونی و بدون هیچگونه تبعیض در امرهای امور کشور شایسته خواهند بود.
طرح حاضر در یک مقدمه و ۱۳ ماده در تاریخ ۱۳/۷/۱۳۶۲ با تأیید آراء در شورای ملی مقاومت تصویب رسید.

محل امضا ها:
سکول شورای ملی مقاومت
مسعود صوری
امضا

پیام مسؤل شورای ملی مقاومت، برادر مجاهد مسعود رجوی

بقیة رصفحه اول
مقاومت و مبارزه بوده است. مسئله ای که رژیم های سرکوبگر سلطنتی و خمینی علیه مردم اعمال قهر وحشیانه نه تنها هرگز قادر به حل آن نبودند بلکه آن را بطور دائم بفریخته و پیچیده تر نیز کردند. اما اینکه قدرتها و پادشاهی استعماری نیز همین یکنواختی را سال گذشته پیوسته بر آن بوده اند تا با سیاست های خود شتوالت قومی و ملی ایران و مسائل مربوط به حقوق ملیت ها، از یک سو تأیید ارضی و وحدت ملی کشور را به زیر علامت حوال بکشند و از سوی دیگر با برجست کاروی "جنزیه طلبی" زمین ها و وسائل مربوط هر چه بیشتر را تدارک دیده و مانع به تدریس مبارزات و درخواست های عادلانه ای مردمی همچون مردم کردستان شوند. خصوصاً که لایحه ماندن ایگونه مسائل تداوم حران ها، درگیری ها و خونریزی های ناشی از آنها، چه در گذشته و چه در آینده، جز در خدمت استعمار و تحکیم سلطنتی استبداد و استوکی نظامی خلق ایران نبوده و نخواهد بود.

اما اکنون چنانکه به ضمیمه ملاحظه خواهید کرد، شورای ملی مقاومت که شورای مرکب از شخصیت ها، احزاب و سازمان ها و گروه های مختلف با ایدئولوژی ها و عقاید و پایه های اجتماعی و طبقاتی گوناگون است، برای نخستین بار در طول تاریخ ایران، بر سر یکی از فرجرتین مسائل کشور - یعنی مسئله خود مختاری کردستان - به اتفاق آراء در یک طرح مشخص به توافق رسیده است. مسئله ای که هفتاد و یک نفر از جوانان هزاره صوفیان ما می بریرست، با بی اعتمادی و دربردار و آزاره شده اند...

عقیده از جانب شورای ملی مقاومت، همواره و همیشه با همین شخصیت ها و سازمان ها، احزاب و گروه های عمومی وابسته به آن، تصویب طرح حاضر را به شایسته یک موفقیت عظیم سیاسی در بنای ایرانی آزاد و عاری از قهر و انتقام و ستم، و به عموم خود مختار در سراسر کشور و ویژه در کردستان تبریک و تحیت گفته و با آیهان به حقوق محترم و اجتناب ناپذیر رژیم در مانده و جنگ افروز خمینی، صلح و صفای پایدار داخلی و خارجی را در تمامی این صیبه مجروح و خونین آرزو می کنیم و امیدوارم طرح های شورای ملی مقاومت هر چه سریعتر جامه عمل "پوشد"

به مرحله "اجرا" برسد. اگر چه بدیهی است که همانند هر طرح یا تأمین دیگری - هر چه هم آن طرح، عاری و صمیمی و گوارا اجرا باشد - نمی توان انتظار داشت که تمامی طاق آن یک شوخ طبعی باشد. بدیندقت، حقیقتی که شورای ملی مقاومت نیز با واقعیت های نام و بدون آن هرگونه فوراسم و توجیه پرگتکی، آن را مقنن داشته، اما در عین حال چنانکه در مقدمه طرح آمده است، دولت مردمی جمهوری دگرگتیک اسلامی ایران را ایجاد و موفقت می سازد تا "برای تحقق این طرح تلاش های لازم را مبذول دارد" چرا که کلیه اعضای شورای ملی مقاومت (منجمله آقای دکتر تاملو دیربر کل حزب دگرگت کردستان ایران) بی انگشتر در رابطه با مراجعه به آراء عمومی مردم منطقه کردستان جهت تضمین مقبول جزئیات ملی منطقه خود مختار کردستان ایران،

بر آن بودند که این گاری استان به ما و نه هیچکس دیگر نمی تواند در همه فزاد سلووق رژیم خمینی و در یک ضرب الاجل بسیار کوتاه آیدم پنجمی درست و نامدود است. براساس این خصوصاً که مراجعه به آراء عمومی مردم سراسر ایران به منظور تشکیل مجلس عمومی قانونگزاری ملی (به عنوان اعمیترین وظیفه دولت موقت در وقت فراغ) باید با انتقال کلیت به مردم) نیز در دستور کار دولت موقت قرار دارد. بنابراین ما (شورا) خود بر خود حق و بر ایجاد مختلف فوای لغامه میم خود که حق یک قدم تاریخی در مسیر تضمین ثبات و تأمین صلح و مسالمت پایدار داخلی و احقاق حقوق حقوق ملیت ستمدیده کرد است، و قوف کامل داریم و به همین دلیل از بفرنجی آن می ترسیم. گویانکه دولت موقت جمهوری دگرگتیک اسلامی ایران در حدود اختیارات و توانایی های خود شایسته درجه تلاش مکن را در جهت تحقق و اجرای طرح حاضر مبذول خواهد نمود.
هوشتان عزیز
سپهر گنجی
بنیانگذار و مسئول کمیته فرهنگی و اجتماعی
اراد می شناسانده و شنیده اند که شواکشیانکی علی و سال و چند ماه گذشته علیه مردم نامی نشیانات ارتجاعی، امپریالیستی و فرست طلبانه ترسناکند در تجزیه و شکلی می گویند - نشان دهنده دگرگتیک و تبعیض شوری ملی - قانون - حاضرین توفیقی حاصل کنند، به مجرد انتشار طرح نامی از راست و با از مواقع "چپ ناما" طرح تازیدن خود بر شورای ملی مقاومت را ملاحظه کنند. اما چنانکه در اتفاق آراء ما (شورا) در طرح حاضر ملاحظه می کنید، انجام درونی نظریات عقیدتی و سیاسی و نشانهای انقلابی افکار آن - پیوسته در چارچوب برنامی شورای ملی مقاومت و دولت موقت جمهوری دگرگتیک اسلامی ایران و سایر اسناد و معونات شورا افزایش می یابد. این حقیقت از سوی دیگر شورا آستس که برای یک ایران دگرگتیک، برای صلح و آزادی، برای امنیت عقیبتی و اجتماعی و برای توسعه و تقاضای ملی هیچ راه حل دیگری جز شورای ملی موجود نیست. شورای ملی که برغم تمامی توطئه ها و تلاش های مذموبانه ای استعماری و ارتجاعی و انحرافی، و برغم تمامی حمله و هجوم ناسیونالیست های که از بسیاری جوانان سوجه است، برغم تبعیضات نامی و تبعیضات اقتصادی و فرهنگی و برغم تمامی فوای تفرقه و انشعاب و شکلی دشمنی که در فضای سیاسی ساکنان ایران گذشته و حال صیبه ما در سایر احزاب و سازمان ها و اتحادیه های سیاسی ایران شده بود، نه فقط این عزیزان احادی خود کرد کرده و قوم بخیدند است، بلکه هرمنظر آن بسیاری اختلافات عقیبتی و سیاسی است. آن را باید بپذیرد. می تواند در یک طرح مشخص برای خود مختاری کردستان در چارچوب نامی ثابت است و وحدت ملی کل کشور به توافق برسد. گاری که برای تریاض موجود است و نسبتاً از بسیاری قاطع مقاومت ساخته بود که خود دلیل بسیار قاطع دیگری بر این حقیقت است که این قوای نسبتاً جانشین دگرگتیک لایق و قدرتمند برای رژیم خونخوار خمینی است.

بقیة رصفحه اول ۲۷



بیام مسئول شورای ملی مقاومت، برادر مجاهد مسعود رجوی

غیاث‌المحمی ۲

با این ترتیب برای نخستین بار پس از قریب سه دهه سال که از انقلاب مشروطیت ایران می‌گذرد، حکومت شورای ملی مقاومت، با اختلاف ایجاد می‌شود که به کوشش و سازمان‌دهی و احزاب سرسبز و مسافه‌های می‌اجم که پیش از دو سال پس از پدید آمدن او برآمده و بر سر مسائل خطیری از قبیل طرح صلح برای جنگ ایران و عراق یا طرح خودمختاری کردستان ایران به دفاع نظر سیده و طرح‌های مشخصی نیز ارائه کرده است. به بهی است و شش‌تنی از چندین دوام و قوام و سرچشمه‌ی چنین توافق خطیری است که تا اینچ‌ها از مقاومت شروع ملی و انقلابی در سرزمین ما است که اکنون در چارچوب دستیابی به شورای ملی مقاومت یا تجدید و تجدید مسود شده و دستیابی به شورای ملی مقاومت طرح حاضر را بر سر گرفته است. نمایان جامع تر، مقاومت شروع و ادامه‌ی مردم ایران جد در تهران و چه در جنگل و کردستان به انجام بلوغ مبارزاتی و سیاسی نائل شده که می‌تواند در چارچوب شورای ملی مقاومت به نحوی کاملاً دگرگون و مسئول از سبدهای مسائل غامضی همچون مسئله خودمختاری کردستان برآید و آفاقه بر این آن را مستقیم با آزادی و استقلال از سوی خداوند بخشنده کشور نیز پیوند بزند. یعنی از نظر ما (شورا) این دگرگونی باید در واقع استقرار و ششم مقام افراشته شود و در کردستان راه‌های مستقیم و اجتناب‌ناپذیر وجود دارد که البته تنها در چارچوب شورای ملی مقاومت یعنی در چارچوب تنه‌ی اکثریت و دگرگون‌سازی و انقلابی باشد. چارچوبی که در ادامه‌ی نظام نیز خود پیشگامان دگرگون‌سازی کردستان ایران را با خود پیشگامان مجاهد خلق در رأس یک مقام مقاومت کوشمند در منتهای کردستان پیوند داده و درهم آمیخته است. علاوه بر این، اتحادی غنی و مشخصیت‌ها و افکار شورا در طرح حاضر، بروشنی بین تحریر دگرگونی و انقلابی و همکاری در عین اختلاف عقیدتی و مسلکی است. به عبارت دیگر اگر اختلاف و بردباری دگرگون‌سازی جمع شخصیت‌ها و افکار شورای ملی مقاومت می‌تواند، با هرگز از پس تدوین و تصویب چنین طرحی برنمی‌آید.

دقیق‌تر بگویم: طرح حاضر نتیجه‌ی دگرگونی، بردبارانه و همواره با اختلاف برخورد عقاید و آراء، در داخل شواست. علی‌هذا این طرح نقطه‌نظر خاص شخصی یا گروهی و سازمانی هیچ یک از ما نیست. فی‌الحقیقت چنانکه می‌دانید، چه آقای منی‌صدر یا سازمان مجاهدین خلق ایران و چه حزب دگرگون کردستان ایران یا سایر شخصیت‌ها و سازمان‌ها و گروه‌ها و احزاب عضو شورا هر یک نقطه‌نظرها یا برنامه‌ها و طرح‌های خاص خود پیرامون مسئله خودمختاری کردستان را پیش از این ارائه کرده‌اند و لذا حق دارند که طرح حاضر را چه افکار و چه جزا کمال مطلوب فرد یا گروه خود تلقی نمایند. اما مسئله این است که ما توانستیم دقیقاً در نقطه‌ی مقابل سیاست‌های انحصارگرا و ضد دگرگونی‌های و خصمی دست در دست‌یکدیگر به طرح واحدی هرچند هم نقطه‌نظرهای اخص شخصی و گروهیمان انطباقی کامل نداشته‌اند، دست یابیم و از این پس در گذر شورای ملی مقاومت همگی به دفاع از آن ملتزم هستیم. از این نظر و عقیده خود می‌دانم به عنوان مسئول و خشکوی شورا، ضمیمه‌ترین تقدیر و تشییت را به همی برادران، رفقا، دوستان، شخصیت‌ها و افکار شورا تقدیم نموده و از همی زحمات، فائق‌ترای همت‌ها، گذشته‌ی ایقان شکر کنیم. در این میان بخصوص باید از زحمات آقایان: کمسیون خودمختاری شورای ملی مقاومت؛ آقایان: هدایت‌الله متین‌دفتری (مخبرگمسیون)؛ دکتر آسیر پاکدامن، کاگ، طهور سخااتی (عضو کمیته‌ی سرگزری حزب دگرگون)؛ ک. فرهاد (نایب‌نماینده‌ی شورای متحد)؛ مهندس محمود عبدالنور (نایب‌نماینده‌ی مجاهدین) و بگی دیگر از افکار شورا که بنا بر ملاحظات امنیتی نمودارند نشان اعلام شود، تقدیر نمود. رود خروشان خون‌شده‌ای ما می‌پسوزی محترم خلق ما است مرگ بر خصمی - سلام بر آزادی مسئول شورای ملی مقاومت مسعود رجوی ۱۳۶۲/۴/۱۷

اطلاعیه

مسئول شورای ملی مقاومت

موسویان عزیز
در مورد مصوبات شورای ملی مقاومت و نحوه‌ی تلقی قانونی آن‌ها، شورای ملی مقاومت اینجانب را موظف به یادآوری و تأکید بر نکات زیر نمودند:
۱- بر حسب ماده‌ی ۴ اساسی شورای ملی مقاومت "شورا تا تشکیل و اعلام آگاهی مجلس موسسان و قانونگزاری ملی، موظف و وظایف قانونگزاری و نظارت بر ارایه‌ی امور کشور را بر عهده دارد" و بر حسب ماده‌ی الحاقی "ب" (ذیل ماده‌ی ۱ فعل اول بر نامه): "مجلس موسسان و قانونگزاری ملی حداکثر تا ۶ ماه پس از سرنگونی رژیم خصمی و استقرار دولت موقت از طریق انتخابات آزاد، با رای عمومی، مستقیم، سری و مخفی تشکیل خواهد شد."
۲- همچنین شورای ملی مقاومت حق وضع قانون اساسی نظام جمهوری آینده‌ی کشور را بر حسب بند اول ماده‌ی ۴ بر نامه‌ی خود در عهده‌ی مجلس موسسان و قانونگزاری ملی شناخته است.
۳- با اینهمه‌ی بنامشور زودین هرگونه تشبیه‌ی پیرامون مصوبات شورای ملی مقاومت در همین‌جا ماده‌ی واحدی صوب شورا رایج به اعتبار کلیه‌ی موازین در گذشته و حال و آینده‌ی رای که با تلقی آراء به تصویب رسیده است به زیر تأمل و استفسار می‌رسانم:
"هیچیک از مصوبات شورای ملی مقاومت یعنی از قانون اساسی نظام جمهوری آینده‌ی کشور که توسط مجلس موسسان و قانونگزاری ملی تدوین خواهد شد، تلقی نمی‌شود."
مسئول شورای ملی مقاومت مسعود رجوی ۶۲/۸/۱۷